

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۹ رمضان ۱۳۳۰

قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) /

مصوب ۹ رمضان ۱۳۳۰ /

/

/

مقدمه: /

ماده ۱ - اصول محاکمات جزایی عبارت است از ترتیبات و قواعدی که وضع شده برای کشف و تحقیق جرایم و تعیین مسئولیت مجرمین بر حسب مقررات قانونیه. /

ماده ۲ - محکومیت به جزا ناشی از جرم است و جرم می‌تواند دو حیثیت داشته باشد. /

(اول) حیثیت عمومی از جهتی که مغل نظم و حقوق عمومی است. /

(دوم) حیثیت خصوصی از آن جهت که راجع به تضرر شخص یا اشخاص یا هیأت معینی است علیهذا جرمی که دارای دو حیثیت است موجب دو ادعای عمومی برای حفظ حقوق عمومی و ادعای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان شخصی. /

ماده ۳ - اقامه دعوی و تعقیب مجرم یا متهم به جرم از حیث حقوق عمومی بر عهده اداره مدعی‌العموم است و اقامه دعوی از حیث ضرر و زیان شخصی بر عهده مدعی خصوصی است (رجوع به ماده ۹) مستثنیات این ماده در مواد آتیّه مصرح است. /

ماده ۴ - در آن قسمت امور جزایی که راجع به محاکم صلاحیه است و حیثیت عمومی آنها دارای اهمیتی نیست اقامه دعوی و تعقیب امر جزایی بر عهده مدعی خصوصی است و همچنین موافق قوانین به عهده مأمورین نظمیه است که در این موارد تا اندازه که قانون معین کرده قائم مقام مدعی‌العموم هستند. /

ماده ۵ - امور جزایی راجعه به محاکم جنحه و جنایت بر دو نوع است. /

(اول) اموری که حیثیت عمومی آن دارای اهمیت مخصوصی است. /

(دوم) اموری که هر چند حیثیت عمومی دارد ولی اهمیت آن از حیث نظام مملکتی و آسایش عامه به درجه امور نوع اول نیست. /

ماده ۶ - در امور جزایی نوع اول اقامه دعوی و تعقیب بر عهده مدعی‌العموم است چه مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده چه نکرده باشد در امور نوع ثانی مدعی‌العموم تعقیب نمی‌نماید مگر این که بدوا مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده باشد. /

تبصره - تفکیک امور نوع اول از نوع دوم و تعیین این که کدام امر جزایی از کدام نوع است در قانون جزا مصرح است. /

ماده ۷ - تعقیب امر جزایی و حفظ حقوق عمومی فقط نسبت به مرتکب جرم و کسانی خواهد بود که شرکت در آن جرم داشته‌اند. /

ماده ۸ - تعقیب امر جزایی که از طرف مدعی‌العموم موافق قانون شروع شده موقوف نمی‌شود مگر در موارد ذیل اول به واسطه فوت یا جنون متهم یا مقصر دوم در صورت صلح مدعی خصوصی و متهم در مواردی که به صلح طرفین تعقیب امر جزایی ترک می‌شود (رجوع به قانون جزا) سوم در موقع صدور عفو عمومی در مورد تقصیرات سیاسی چهارم در مواقعی که به واسطه مرور زمان در موارد تقصیرات عرفی موافق مقررات قانون مملکتی تعقیب ممنوع است. /

ماده ۹ - شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیانی (یعنی خسارت مالی) شده است و در ضمن ادعای عمومی (از طرف مدعی‌العموم) مطالبه غرامت و خسارت می‌نماید مدعی خصوصی محسوب می‌شود. /

ماده ۱۰ - هر گاه قبل از صدور حکم محکمه مجرم یا متهم فوت شود ادعای خصوصی به جای خود باقی خواهد بود کلیتاً اسقاط حقوق عمومی به‌جهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمی‌شود. /

ماده ۱۱ - به ادعای خصوصی تا زمانی که متضمن خلاف و یا جنحه و جنایت نباشد در محکمه جزا رسیدگی نخواهد شد. /

ماده ۱۲ - محاکم جزا حق رسیدگی را به ادعای خصوصی نسبت به ضرر و زیان و خسارت که از خلاف یا جنحه و یا جنایت حاصل شده است ندارند مگر در صورتی که شخص متهم به واسطه حقوق عمومی جلب و در حین رسیدگی به حقوق عمومی حقوق خصوصی نیز معنی گردد در این صورت محاکم جزا در حقوق خصوصی نیز حکم مقتضی صادر می‌نمایند. /

ماده ۱۳ - چون رسیدگی به دعوی خصوصی در محاکم جزا فرع بر دعوی عمومی است پس از صدور حکم در برائت ذمه متهم محکمه جزا دیگر نمی‌تواند دعوی خصوصی را تعقیب نماید ولی مدعی خصوصی در این موارد می‌تواند به محکمه حقوق رجوع نموده ضرر و زیان خود را مطالبه کند. /

ماده ۱۴ - پس از آن که محکمه جزا در خصوص دعوی عمومی حکمی صادر نمود در همان مجلس حکم دعوی خصوصی را نیز صادر می‌کند و اگر حکم دعوی خصوصی را صادر نکرد مدعی خصوصی در صورتی که ایفای حق خصوصی خود را بخواهد باید به محکمه حقوق رجوع نماید. /

ماده ۱۵ - در صورتی که کسی محکمه حقوق را ابتدا مرجع دعوی خصوصی خود قرار داد دیگر دعوی مزبور در محکمه جزا پذیرفته نمی‌شود و همچنین اگر کسی تا جلسه اول محاکمه جزایی ادعای خصوصی ننموده دیگر ادعای مزبوره در محکمه جزایی پذیرفته نمی‌شود. /

ماده ۱۶ - هر گاه کسی ادعای خصوصی در محکمه جزا نمود ولی صدور حکم از حیث حقوق عمومی به جهتی از جهات قانونی به تأخیر افتاد مدعی خصوصی می‌تواند در باب مطالبه ضرر و زیان خود به محکمه حقوق رجوع نماید. /

ماده ۱۷ - هر گاه ثبوت تقصیر متهم منوط است به مسائلی که محاکمه و ثبوت آن از خصایص محاکم حقوقی است مثل حق مالکیت و افلاس امر جزایی تعقیب نمی‌شود و اگر تعقیب شده معلق می‌ماند تا حکم قطعی از محاکمه حقوق صادر شود. /

باب اول /

در تفتیش جرم و تحقیقات مقدماتی /

فصل اول /

در اشخاصی که به تفتیش و تحقیق جرائم مأمورند /

ماده ۱۸ - تحقیقات مقدماتی جرائمی که محاکمه آنها راجع به محاکم جنحه و جنایات است به عهده مستنطق است اداره نظمیه و همچنین در مواردی که قانون معین می‌کند اداره ژاندارمری و امنیه در تحت نظارت مدعی‌العموم محکمه ابتدایی به مستنطق محکمه در کشف جرائم و تحقیقات مقدماتی معاونت می‌نمایند و از این حیث از ضابطین عدلیه محسوبند. /

ماده ۱۹ - ضابطین عدلیه عبارتند از مأمورینی که مکلفند به تفتیش و کشف جرائم (خلاف و جنحه و جنایت) و به اقداماتی که برای جلوگیری مرتکب یا متهم از فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید به عمل آید ضابطین مذکوره به ترتیب ذیل تقسیم می‌شوند (اول) مدعی عمومی ابتدایی و معاونین او (دوم) مستنطق (سوم) کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان (چهارم) صاحبان مناصب و رؤسای بریکاد ژاندارمری و امنیه مدعی عمومی رییس ضابطین عدلیه محسوب ولی مأموریت مخصوص و عمده او تعقیب امور جزایی است حدود وظایف هر کدام از مأمورین مذکوره به طوری است که در این باب مقرر است. /

فصل دوم /

در تکالیف کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان از حیثی که از ضابطین عدلیه محسوبند /

ماده ۲۰ - کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان همین که از وقوع جرمی مطلع شدند هر گاه جرم به درجه جنایت باشد فوراً مراتب را به مدعی‌العموم یا معاون او اطلاع می‌دهند و اگر جرم از درجه جنحه یا خلاف باشد تحقیقات نموده صورت مجلس را در صورت اولی (جنحه) نزد مدعی‌العموم ابتدایی و در صورت ثانوی (خلاف) نزد امین صلح می‌فرستند. /

ماده ۲۱ - وقتی که علامات و امارات وقوع جرمی مشکوک باشد یا نظمیه به اخبار افواهی مطلع از وقوع جرمی بشود و یا کلیه اطلاعات نظمیه از منابع صحیحی نباشد کمیسرهای نظمیه باید قبل از دادن اطلاع به مقامات لازم تحقیقات در صحت و سقم شایعه یا خبر به عمل آورده معلوم نمایند که واقعه روی داده یا نه و اگر اتفاقی افتاده علایم و آثار جرمی را دارا است یا نه نتیجه تحقیقات خود را در این موارد نظمیه به مدعی‌العموم ابتدایی یا معاون او اطلاع می‌دهد و مشارالیه نظر به نتیجه تحقیقات دنبال کردن تحقیقات و تعقیب مسئله را موقوف می‌دارد و یا تکمیل آن را از نظمیه می‌خواهد. /

ماده ۲۲ - تحقیقات کمیسرهای نظمیه در مورد ماده قبل عبارت است از تفتیش و تفحص و استعلامات شفاهی و نظارت مخفی نسبت به اشخاص مظنون بدون این که نظمیه حق داشته باشد داخل شود به منزل کسی برای معاینات و به دست آوردن اسباب جرم و تحقیق آن واقعه. /

ماده ۲۳ - در موارد ذیل کمیسرهای نظمیه مکلفند تا وقتی که مدعی‌العموم یا معاون او در محل وقوع جرم حاضر نشده اقدامات لازم را برای جلوگیری از اعدام و اضمحلال اثرات جرم و قرار مجرم یا متهم به عمل آورند /

(۱) در موارد جرایم مشهوده یعنی در صورتی که مجرم در حین ارتکاب یا بلافاصله بعد از ارتکاب دیده شده /

(۲) در مواردی که مجنی‌علیه یا مدعی و شهود واقعه مستقیماً شخص مظنون را نشان داده او را مرتکب جرم بدانند /

(۳) وقتی که در نزد متهم یا در خانه او علانم واضح جرمی کشف شود /

(۴) در صورتی که معلوم شود که اسباب و دلائل جرم متعلق به متهم است و یا نزد او است. /

(۵) وقتی که متهم قصد فرار داشته یا در حین فرار یا پس از آن گرفتار شده /

(۶) وقتی که متهم اقامتگاه دائمی ندارد یا در جایی مقیم نبوده و مسکن و مأوی معین ندارد /

ماده ۲۴ - کمیسرهای نظمیه نمی‌توانند قائم مقام مستنطق واقع شده تحقیقات به عمل آورند مگر در موارد جرم مشهود یا در موردی که صاحب‌خانه خود دخول نظمیه را به خانه خود تقاضا کند و همچنین در موردی که در غیاب مستنطق یا مدعی‌العموم می‌توان علانم و امارات جرم را معدوم نمود در این موارد کمیسرهای نظمیه قائم مقام مستنطق واقع شده تحقیقاتی را که فوریت دارد به عمل می‌آورند تحقیقات مزبوره عبارت است از معاینات و تفتیش و تفحص در منزل مجرم و تحصیل و حفظ آلات و اسباب جرم در این موارد استنطاق متهم و طرفش و همچنین استماع شهادت‌شهود تا ورود مستنطق یا مدعی‌العموم به محل وقوع جرم جایز است. /

ماده ۲۵ - اقدامات کمیسرهای نظمیه در مورد دو ماده قبل موافق قواعد و ترتیباتی است که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است (رجوع به فصل پنجم این باب) /

ماده ۲۶ - کمیسر نظمیه بعد از ورود مستنطق یا مدعی‌العموم تحقیقاتی را که کرده به مشارالیه داده و دیگر مداخله نمی‌کند مگر این که تعلیمات یا مأموریتی از طرف مستنطق یا مدعی‌العموم به کمیسری نظمیه رجوع شود. /

ماده ۲۷ - قواعد مقرر در این فصل راجع به کمیسرهای نظمیه همچنین شامل کدخدا و اشخاصی است که رسماً قائم مقام کمیسرهای نظمیه هستند. /

فصل سوم /

در صاحب‌منصبان و رؤسای بریکاد ژاندارمری و امنیه /

ماده ۲۸ - صاحب‌منصبان ژاندارمری و امنیه مکلفند کلیه وقایعی را که دارای حیثیت جنحه و جنایت است به مدعی‌العموم ابتدایی محل و نظمیه اطلاع بدهند /

ماده ۲۹ - در صورتی که رؤسای بریکاد ژاندارمری و امنیه مشاهده کنند تا ورود مدعی‌العموم یا مستنطق ممکن است آثار و امارات جرم معدوم شود یا خود متهم فرار نماید باید اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار متهم و اعدام آثار و علانم جرم به عمل آورند. /

ماده ۳۰ - مدعیان عمومی و معاونین آنان می‌توانند در مواردی که لازم بدانند تفتیشات راجعه به جرم را به صاحب‌منصبان

ژاندارم رجوع نمایند این تکلیف مدعی العمومی به رؤسا ژاندارم کتباً یا شفهاً ابلاغ می‌شود./

ماده ۳۱ – صاحب‌منصبان ژاندارم در حین اجرای تفتیش موافق ماده (۲۲) رفتار می‌نمایند و در صورتی که سو تفاهمی حاصل شود یا دچار اشکالی شوند از مدعی العموم محکمه ابتدایی که در حوزه آن واقعند تعلیمات لازمه را می‌خواهند و نتیجه تفتیش خود را نزد همان مدعی العموم ارسال می‌دارند./

ماده ۳۲ – مدعیان عمومی هر گاه مشاهده کنند که تفتیش اداره ژاندارم ناقص است می‌توانند تکمیل آن را بخواهند./

فصل چهارم/

در حدود اختیارات مدعی العموم/

محکمه ابتدایی و مستنطق/

مبحث اول/

در حدود اختیارات مدعی العموم ابتدایی و معاون او/

ماده ۳۳ – مدعیان عمومی محاکم ابتدایی و معاونین آنان خودشان متمدی تحقیقات مقدماتی نمی‌شوند مگر در مورد مذکور در ماده (۴۰) ولی تعلیمات لازمه در این باب به مستنطقین داده به تحقیقات ایشان نظارت دارند./

ماده ۳۴ – مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید جزایی را تعقیب نمود مراتب را به مدعی العموم اطلاع می‌دهند./

ماده ۳۵ – نسبت به تفتیش جرم کمیسرهای نظمیه و قائم مقام آنان در تحت اطاعت مدعیان عمومی هستند./

ماده ۳۶ – مدعیان عمومی حق دارند در تحقیقات مقدماتی حضور به هم رسانیده ترتیبات تحقیقات را مشاهده نمایند بدون این که بتوانند جریان تحقیقات را توقیف کنند./

ماده ۳۷ – مستنطقین در موقع تحقیقات راجعه به جنحه و جنایت تقاضای قانونی مدعی العموم را مجری داشته مراتب را در صورت مجلس یا دفترقید می‌کنند و هر گاه در موقع اجرای تقاضای مدعی العموم مستنطق دچار اشکالی شود حتی المقدور اجرای آن تقاضا را کرده در باب اشکال به مدعی العموم رجوع کرده منتظر حل مشکل خود می‌شود./

ماده ۳۸ – در موردی که مستنطق متهم را توقیف می‌کند باید فوراً به مدعی العموم اطلاع دهد و مشارالیه می‌تواند توقیف را تصویب نکرده نظر به اوضاع و احوال مسئله و عدم وجود ظن کافی درباره متهم جنایی از مستنطق تبدیل آن را به اقدام دیگری که ملایم‌تر و خفیف‌تر باشد بنماید در این صورت مستنطق امر مدعی العموم را مجری می‌دارد در موردی که مدعی العموم امر جنایی یا جنحه را به مستنطق رجوع می‌کند باید در تقاضانامه خود اظهار دارد که توقیف متهم لازم است یا خیر اگر مستنطق آن تقاضا را لازم بداند بر طبق آن اقدام می‌کند و اگر رأی او مخالف باشد حکم می‌دهد و دلایل خود را مشعر بر این که توقیف مورد نداشته اظهار می‌دارد و بلافاصله دوسیه کار را به مدعی العموم ابلاغ می‌کند و مشارالیه می‌تواند در ظرف ۲۴ ساعت نسبت به حکم مستنطق استیناف بخواهد و همچنین هر گاه متهم توقیف شده و عقیده مستنطق بر رهایی او باشد دوسیه کار را به مدعی العموم ابلاغ می‌کند و او دستور لازم را داده و مستنطق فوراً حکم خود را می‌دهد و اگر این حکم بر خلاف دستور مدعی العموم باشد مشارالیه می‌تواند در ظرف ۲۴ ساعت بر حکم مذکور اعتراض کند و این اعتراض به محکمه استیناف داده می‌شود/

و در صورت اختلاف در صلاحیت محاکم مابین مدعی العموم و مستنطق در ظرف ۲۴ ساعت مدعی العموم می‌تواند نسبت به حکمی که مخالف رأی اوست استیناف بخواهد./

ماده ۳۹ – در صورتی که مدعی العموم یا معاون او تحقیقات مستنطق را ناقص ببینند می‌توانند تکمیل آن را از مستنطق بخواهند ولو این که مستنطق تحقیقات خود را قابل بداند./

ماده ۴۰ – مدعی عمومی در موارد جنایات مشهوده مستنطق را اخبار نموده ولی برای تفتیش و تحقیق مجبور نیست که انتظار او را داشته باشد بلکه خود را به محل وقوع جنایت فوراً رسانیده تحقیقات لازمه را از استعلام از مطلعین و شهود کشف آلات و ادوات جرم و معاينه محل و غیره تاورد مستنطق به عمل می‌آورد تحقیقات مدعی العموم در موارد جنایات مشهوده موافق ترتیباتی است که برای تحقیقات مقدماتی در فصل پنجم این باب مقرر است./

ماده ۴۱ – غیر از موارد جنایت مشهود مدعی العموم نمی‌تواند رأساً وظایف مستنطق را در تحقیقات مقدماتی و استنطاق به عمل آورد./

ماده ۴۲ – رد مدعی العموم از طرف مدعی خصوصی جایز نیست (رجوع به ماده ۳۳۵)/

مبحث دوم/

در حدود اختیارات مستنطق/

ماده ۴۳ – مستنطق فقط وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌نماید که قانوناً این حق را داشته باشد رجوع به ماده (۵۴) و ماده (۶۰)/

ماده ۴۴ – مستنطق باید با کمال بی‌غرضی تحقیقات را نموده در کشف اوضاع و احوالی که بر نفع یا ضرر متهم است فرقی نگذارد./

ماده ۴۵ – مستنطق در تحصیل و جمع‌آوری اسباب دلایل جرم نباید به هیچوجه تعویق را جایز بداند و باید اقدامات فوری برای جلوگیری از اعدام یا اضمحلال اثرات جرم به عمل آورد./

ماده ۴۶ – مستنطق می‌تواند به تحقیقات کمیسرهای نظمیه رسیدگی کرده و هر گاه تغییری در اقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات لازم باشد به عمل آورد/

ماده ۴۷ – تقاضای قانونی مستنطق را باید نظمیه و مقامات و ادارات رسمی فوراً به موقع اجرا بگذارند./

ماده ۴۸ – مستنطق می‌تواند تحصیل بعضی اطلاعات را به نظمیه یا تعلیمات لازمه رجوع کند./

ماده ۴۹ – هر گاه به مستنطق در حین ایفای وظیفه او مقاومتی شود مشارالیه حق دارد از قوای عمومی (نظمیه و غیره) استمداد کند./

ماده ۵۰ – هر یک از طرفین متهم و مدعی خصوص به همان جهت یا جهاتی که موجب رد حکام عدلیه می‌باشد می‌توانند اظهار نامه به خود مستنطق داده او را رد کنند در موارد رد مستنطق خودش نیز باید از اجرای تحقیقات و استنطاقات استعفا نموده مراتب را به محکمه ابتدایی اطلاع دهد./

ماده ۵۱ - هر گاه اظهار رد به مستنطق بشود مشارالیه اظهارنامه را به محکمه ابتدایی تقدیم کرده تحقیقات خود را قبل از صدور حکم محکمه مذکوره قطع نمی‌کند ولی اگر خودش استعفا نماید مراتب را به مدعی‌العموم ابتدایی اطلاع داده دیگر به تحقیقات مداخله نمی‌کند./

ماده ۵۲ - مستنطق نمی‌تواند به عذر این که متهم یا مجرم مخفی شده است یا این که متهم یا مجرم معین نیست تحقیقات خود را موقوف بدارد./

فصل پنجم/

در تحقیقات مقدماتی/

مبحث اول/

در صلاحیت مستنطقین/

ماده ۵۳ - هر مستنطق فقط در حوزه محکمه ابتدایی که در آن مأموریت دارد ایفا وظیفه می‌نماید./

ماده ۵۴ - مستنطق در صورت وجود جهات قانونی رجوع به ماده (۶۰) در موارد ذیل شروع به تحقیقات می‌نماید/

(۱) در صورت وقوع جنحه یا جنایت در حوزه مأموریت او/

(۲) در صورتی که جنحه یا جنایت در حوزه مستنطق دیگری واقع شده ولی متهم یا مقصر در حوزه او دستگیر یا جنحه و جنایت در حوزه او کشف شده باشد/

(۳) وقتی که متهم یا مظنون به ارتکاب جنحه یا جنایت در حوزه او مقیم است ولو این که وقوع در حوزه مستنطق دیگری به عمل آمده باشد/

ماده ۵۵ - در موردی که جنحه یا جنایت در خارج حوزه مستنطق واقع شده ولی در حوزه او کشف یا مرتکب در حوزه او دستگیر شده است مستنطق به تقاضای مدعی‌العموم یا مستنطق حوزه وقوع جنحه یا جنایت تحقیقاتی را که مقتضی محلی است که متهم در آن جا به دست آمده است به عمل آورده نتیجه تحقیقات را با خود متهم (در صورتی که دستگیر شده باشد) نزد مستنطقی که در حوزه او جرم واقع شده است می‌فرستد./

ماده ۵۶ - هر گاه جرمی در محلی مکشوف شده و مستنطق محل کشف نداند که وقوع جرم در کجا بوده به تحقیقاتی که شروع کرده مداومت می‌دهد تا وقتی که تحقیقات ختم یا محل وقوع جرم معلوم شود./

ماده ۵۷ - هر گاه در مواردی که قانون معین می‌کند استنطاق متهمین امر جزایی یا استماع شهود یا تحقیقات دیگری در محلی که خارج از وقوع جرم است لازم شود در این صورت مستنطقی که مشغول رسیدگی است تعلیمات لازم را در این باب به مستنطق محلی که باید تحقیقات در آنجا به عمل آید فرستاده و مستنطق آخری بعد از اجرای تحقیقات آن را امضا نموده مهورا نزد مستنطق اولی ارسال می‌دارد/

ماده ۵۸ - تحقیقات مقدماتی باید به قدر امکان سریع باشد و لذا روزهای تعطیل مانع از تحقیقات نمی‌شود./

ماده ۵۹ - نظارت در تحقیقات به عهده مدعی‌العموم محکمه ابتدایی است که در حوزه مأموریت او تحقیقات به عمل می‌آید ولو این که تحقیقات راجع به امری باشد که خارج از قلمرو او اتفاق افتاده./

مبحث دوم/

در مواردی که مستنطق به شروع در تحقیقات مکلف است/

ماده ۶۰ - جهات ذیل جهات قانونی برای شروع به تحقیقات محسوب می‌شود/

(۱) شکایات و اعلام مدعی خصوصی و سایر اشخاص/

(۲) اظهار و اعلام اداره نظمیه و ژاندارم و امنیه/

(۳) اظهار و اقرار مقصر/

(۴) تکلیف مدعی‌العموم/

(۵) نظر مستنطق در مواقع جرایم مشهوده در صورتی که خودش شاهد قضیه باشد/

ماده ۶۱ - هر گاه کسی اعلام نماید که خود شاهد وقوع جنحه یا جنایتی بوده این اظهار برای شروع به تحقیقات کافی است ولو این که مستنطق دلایل دیگر برای اجرای تحقیقات نداشته باشد ولی اگر اعلام‌کننده خودش شاهد قضیه نبوده به محض اعلام نمی‌توان شروع به تحقیقات نمود مگر این که دلایل صحت ادعا موجود باشد./

ماده ۶۲ - اخطارات بی‌امضا و همچنین هجو نامه و کاغذهای تهدیدآمیز بی‌امضا را نمی‌توان جهت قانونی برای شروع به تحقیقات محسوب داشت مگر این که نوشتجات بی‌امضای مزبوره دلالت کند بر سو قصد مهمی که می‌تواند باعث اختلال امنیت و انتظام عمومی شود در این موارد باید قبلاً نظمیه تفتیش لازم را به عمل آورد و بعد در صورت لزوم پس از اجازه مدعی‌العموم تحقیقات مستنطق شروع می‌شود./

ماده ۶۳ - شکایات برای شروع به تحقیقات کافی است و نه مستنطق می‌تواند در این مورد استنکاف از تحقیقات نماید نه مدعی‌العموم./

ماده ۶۴ - در شکایت باید نکات ذیل قید شود/

(۱) تاریخ و محل وقوع جنحه یا جنایت/

(۲) مظنون کی است و مدرک ظن چیست/

(۳) ضرر و زیانی که از وقوع جرم به عمل آمده/

(۴) تعیین مقدار خسارت به طور تخمین (هر گاه چنین ادعایی بشود)/

ماده ۶۵ - شکایات کتبی یا شفاهی را همه وقت کمیسریهای نظمیه و ژاندارم و مدعیان عمومی و معاونین آنان و مستنطقین قبول می‌نمایند و شکایات شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد و اگر شاکی نتواند امضا کند این نکته قید و مصدق می‌شود که شکایت شفاهی موافق صورت مجلس است./

ماده ۶۶ - در مواردی که ممکن است ادعای جزایی به صلح ختم شود (یعنی در مواردی که بعد از صلح طرفین مدعی‌العموم تعقیب نمی‌کند) قبل از شروع به تحقیقات طرفین را مستنطق احضار کرده تکلیف صلح می‌نماید و هر گاه صلح انجام یافت یا مدعی بدون عذر موجه حاضر نشد تحقیقات موقوف می‌شود اگر مشتکی‌عنه حاضر نشد حکم جلب او را می‌دهد./

ماده ۶۷ - در حین تحقیقات شاکی حق دارد شهود تحقیق و دلایل خود را اظهار نماید و در تحقیقات حضور به هم رساند و سواد صورت تحقیقات و قرارهای مستنطق را (بعد از تأذیه حق سواد) بگیرد./

ماده ۶۸ - شاکی می‌تواند تأمین خسارات خود را بخواهد و مستنطق در صورتی که این تقاضای شاکی را مبتنی بر دلائل دید به محکمه جنح‌رجوع نموده تأمین خسارت شاکی را می‌خواهد./

ماده ۶۹ - در صورتی که خلاف عرضحال ثابت شود عارض غیر محق علاوه بر تأذیه خسارت طرف مخارج تحقیقات را نیز ادا می‌نماید./

ماده ۷۰ - هر گاه مستنطق در اعلام و اخبار نظمیه دلائل کافی برای اقدام به تحقیقات ندید تکمیل تحقیقات را از نظمیه می‌خواهد و مراتب را به مدعی‌العموم اطلاع می‌دهد./

ماده ۷۱ - مدعی‌العموم ابتدایی و معاون او می‌تواند به موجب اطلاعات حاصله یا به نظر خودشان تقاضای اجرای تحقیقات و تعقیب امری را بنماید ولی تقاضای تحقیقات را بدون دلائل کافی نباید به کنند و اگر امر مشکوک است باید به واسطه تفتیشات مخفی نظمیه تحصیل اطلاعات لازم را بنمایند./

ماده ۷۲ - هر گاه مستنطق در حین تحقیقات جرمی کشف جرم دیگری نماید که به جرم اولی مربوط نیست اقدامات لازم را موافق قوانین برای حفظ آثار و امارات جرم ثانوی و جلوگیری متهم از فرار کرده مراتب را به مدعی‌العموم ابتدایی اطلاع می‌دهد و فقط پس از اجازه مشارالیه به تحقیقات مقدماتی جرم ثانوی شروع می‌کند./

مبحث سوم/

در تحقیقات مستنطق/

مقاله اول/

در معاینات محلی/

ماده ۷۳ - معاینات محلی یا مستقیماً به توسط مستنطق به عمل می‌آید یا به توسط اهل خبره در حین معاینات محلی اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند ولی مستنطق منتظر آنان نمی‌شود./

ماده ۷۴ - معاینات محلی در روز به عمل می‌آید به استثنای مواردی که فوریت دارد/

ماده ۷۵ - در حین معاینات و تحقیقات محلی مستنطق تمام آثار و علامات و مقتضیات محل را در نظر گرفته و آن چه را که دیده و کشف کرده در صورت مجلس قید می‌کند./

ماده ۷۶ - برای حضور در معاینات و تحقیقات محلی از اهل محل شهود تحقیق دعوت می‌شوند و در موارد فوری مستنطق می‌تواند کلیه اشخاصی را که محل وثوق هستند دعوت نماید در مورد نسوان زنان شوهردار برای حضور در معاینات محلی دعوت می‌شود./

ماده ۷۷ - اشخاصی که برای حضور در معاینات محلی دعوت شده‌اند اگر بدون عذر موجه حاضر نشوند و من‌به‌الکفایه نباشند به حکم مستنطق جلب می‌شوند./

ماده ۷۸ - اهل خبره باید وقتی دعوت شوند که اظهار اطلاع در علمی یا فنی یا معلومات مخصوصه به ارباب شغل یا کسی لازم باشد (مثل طبیب - دواساز - نقاش - مقوم و غیره) اهل خبره باید شرایط شهود تحقیق را دارا باشند هر گاه اهل خبره بدون عذر موجه حاضر نشوند و من‌به‌الکفایه نباشد به حکم مستنطق جلب می‌شوند./

ماده ۷۹ - تحقیقات اهل خبره در حضور مستنطق به عمل می‌آید مگر این که مانعی باشد./

ماده ۸۰ - مستنطق مکلف است که سؤالات لازم را از اهل خبره کتباً و شفاهاً نموده در صورت مجلس قید نماید هر گاه مستنطق بعضی علانم و آثار را در نظر گرفته اهل خبره می‌توانند از علانم مزبوره صرف‌نظر نموده اهمیت ندهند مگر این که برای کشف حقیقت اهمیتی داشته باشد./

ماده ۸۱ - هر گاه اختلافی در عقاید اهل خبره حاصل شود یا عقیده آنان به نظر مستنطق مشکوک باشد مشارالیه اهل خبره دیگری دعوت می‌نماید و یا عقاید اهل خبره را نزد متخصصین علم یا فن فرستاده عقیده آنان را می‌خواهد/

ماده ۸۲ - برای معاینه اجساد اموات و جراحات و آثار و علانم ضرب و شتم و غیره مستنطق طبیب را دعوت می‌کند در این موارد اطباء عدلیه دعوت می‌شوند و اگر اشخاص مذکوره نتوانند حاضر شوند یا در جایی از اطباء مذکوره نباشد طبیب دیگر را می‌توان دعوت کرد./

ماده ۸۳ - مستنطق می‌تواند به دعوت یک طبیب اکتفا نکرده چند نفر طبیب دعوت نماید و طبیبی که معالجه شخص متوفی را می‌کرده است مستثنی نخواهد بود./

ماده ۸۴ - تا ورود طبیب مستنطق اقدامات لازم را برای حفظ جسد متوفی و تحقیقات هویت متوفی و چگونگی فوت و غیره به عمل می‌آورد./

ماده ۸۵ - شهود تحقیق و سایر اشخاص که حق حضور را دارند می‌توانند عقیده طبیب را تردید نمایند و مراتب در صورت مجلس قید می‌شود./

ماده ۸۶ - طبیب باید عقیده خودش را نوشته منتهی در ظرف سه روز به مستنطق بدهد./

ماده ۸۷ - در صورت اختلاف آرا اطبا با مناقضت عقیده طبیب با اوضاع و احوال واقعه مستنطق عقیده طبیب را نزد متخصصین می‌فرستد و اشخاص مذکوره بعد از خواستن توضیحات لازم از طبیبی که معاینه نموده عقیده خود را کتباً به مستنطق می‌دهند/

ماده ۸۸ - هر گاه معلوم نباشد که متوفی کیست مستنطق علانم و اشکال او را صحیحاً در صورت مجلس قید کرده و بعد برای اعلام به مطبوعات می‌فرستد/

ماده ۸۹ - هر گاه در ضمن تحقیقات مستنطق مشاهده نماید که متهم مجنون یا مشاعرش مختل است به توسط طبیب تحقیقات لازم را به عمل آورده و بعد از استعلام از کسان و اقربای او مراتب را در صورت مجلس قید کرده دوسیه کار را نزد مدعی‌العموم ابتدایی می‌فرستد مدعی‌العموم پس از مذاقه در دوسیه کار هر گاه تحقیقات مستنطق و اهل خبره را کامل

دید و از صحت آن مطمئن شد تقاضانامه ترک تعقیب را به دایره استنطاق فرستاده شخص مجنون یا مختل المشاعر را به اداره مقتضیه برای اقدام لازم می‌فرستد و اگر اطمینان به صحت تحقیقات حاصل نکرد می‌تواند تحقیقات اهل خبره دیگر را بخواهد./

ماده ۹۰ – هر گاه اثرات جنون یا اختلال مشاعر در متهم بعد از تحقیقات مقدماتی و استنطاق و قبل از محاکمه ظاهر شود تحقیقات در خود محکمه‌جنحه یا جنایت به عمل می‌آید./

مقاله دوم/

در تفتیش منزل و تحصیل آلات و ادوات جرم و اسباب تحقیقه/

ماده ۹۱ – تفحص در منازل در مواردی به عمل می‌آید که بر حسب دلایل کافی بتوان تصور نمود که مرتکب یا اسباب و آلات جرم یا دلایل آن را در محلی می‌توان کشف کرد./

ماده ۹۲ – تفحص در حضور صاحب خانه و شهود تحقیق به عمل می‌آید و در صورتی که صاحب خانه غایب باشد در حضور عیال یا بزرگتر خانه به عمل می‌آید./

ماده ۹۳ – اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می‌توانند در موقع تفحص و تجسس حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمی‌توانند داخل شوند مگر به اجازه صاحب‌خانه./

ماده ۹۴ – تجسس در منازل روز به عمل می‌آید و در شب فقط در مواردی که ضرورت اقتضا کند جهت ضرورت را مستنطق باید در صورت مجلس قید کند./

ماده ۹۵ – در صورت لزوم مستنطق می‌تواند دخول به محل تفحص و خروج از آن محل را قدغن نماید و برای اجرای این حکم از نظمیّه یا اشخاص دیگر مستحفظ بگمارد./

ماده ۹۶ – در صورتی که صاحب خانه حکم مستنطق را در باز کردن محل‌ها و اشیاء بسته مجری ندارد مستنطق می‌تواند حکم باز کردن را بدهد ولی مستنطق مکلف است که حتی‌القوه از اقداماتی که باعث تضییع اشیاء می‌شود احتراز نماید./

ماده ۹۷ – از اوراق و نوشتجات متهم فقط آن چه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و به شهود تحقیق ارائه می‌شود و مستنطق مکلف است که در باب سایر نوشتجات متهم با کمال احتیاط رفتار نموده موجب افشای مضمون نوشتجاتی که راجع به جرم نیست نشود./

ماده ۹۸ – مقامات و مأمورین دولتی نمی‌توانند از دادن اسباب و آلات جرم به مستنطق امتناع نمایند./

ماده ۹۹ – در مواردی که لازم شود نوشتجات متهم به جنایت یا نوشتجاتی که به اسم متهم توسط پستخانه یا تلگرافخانه وارد شده است معاینه و تفتیش شود از قرار ذیل رفتار می‌شود./

(۱) مستنطق هر دفعه علیحده به اداره پستخانه یا تلگرافخانه اطلاع می‌دهد که مکتوب یا تلگراف متهم به جنایت را توقیف نموده نزد مستنطق بفرستند و بعد از وصول مکتوب یا تلگراف آن را در حضور متهم باز کرده صورت مجلسی در آن باب ترتیب داده خودش و منشی و متهم امضا می‌کنند اگر متهم نخواهد امضا کند مراتب قید می‌شود/

(۲) نوشتجاتی که برای کار اهمیت دارد داخل دوسیه می‌شود و آن چه که راجع به کار نیست به صاحبش مسترد و قبض رسید دریافت می‌شود./

ماده ۱۰۰ – در مواردی که تحصیل اطلاعات در باب نوشتجاتی که از متهم صادر و به اسم متهم وارد می‌شود از پستخانه یا تلگرافخانه لازم شود (بدون معاینه و تفتیش خود مکتوب) مستنطق می‌تواند راساً از ادارات مزبوره کسب اطلاع کند./

ماده ۱۰۱ – مباشرین ثبت اسناد باید به تقاضای مستنطق دفاتر خود را به او نشان بدهند./

ماده ۱۰۲ – هر گاه متهم نوشتجات خود را برای استتار به وکیل خودش سپرده باشد مستنطق حق دارد که نوشتجات مذکوره را در حضور وکیل معاینه نماید./

ماده ۱۰۳ – آلات و ادوات جرم از قبیل حرب و اسلحه و اسناد ساختگی و سکه تقلب و کلیه اشیایی که در حین تفحص به دست آمده و موجب کشف جرم یا موجب اقرار متهم به جرم خود تواند بود باید ضبط شده و در صورت مجلس هر یک از اشیاء مزبوره تعریف و توصیف شود./

ماده ۱۰۴ – آلات و ادوات جرم را باید نمره گذاشته و مهر نمود و حفظ نمود/

ماده ۱۰۵ – هر گاه دلایل جرم چیزی باشد که نتوان از محل مجزی و خارج نمود (مثل خونی که ریخته) در این صورت مستنطق باید اقدام در حفظ دلایل مزبوره به عمل آورده و اگر لازم باشد محل را قفل و مهر و موم کرده نظارت آن را با به پلیس یا مستحفظ مخصوص بسپارد./

ماده ۱۰۶ – اشیاء مایع که قابل تجزیه است به قدر لزوم تحصیل می‌شود اشیاء مزبوره را باید در ظرفی ریخته مهر و موم کرده به قسمی که ضایع یا تفریط نشود از اشیاء مایع باید سه ظرف برداشته شود./

ماده ۱۰۷ – در مقابل اشیاء و آلاتی که تحصیل می‌شود باید به صاحب آن قبض رسیده داده شود اشیاء مسروقه که در منزل متهم یافت می‌شود باید به صاحبان آن اشیاء مسترد و قبض رسید دریافت شود مگر در صورتی که وجود اشیاء مزبوره در مورد استنطاق و محاکمه لازم باشد که پس از رفع حاجت به صاحب آن مسترد خواهد شد./

مبحث چهارم/

در احضار و استنطاق متهم/

ماده ۱۰۸ – احضار متهم به واسطه احضارنامه به عمل می‌آید و احضارنامه دو دو نسخه فرستاده شده یک نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضا کرده به مأمور احضار رد می‌کند./

ماده ۱۰۹ – در احضارنامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود./

ماده ۱۱۰ – هر گاه احضار شده سواد نداشته باشد مضمون احضارنامه در حضور دو نفر شاهد تحقیق ابلاغ می‌شود باقی ترتیبات تبلیغ احضارنامه به‌طوری است که در قوانین محاکمات حقوقی مصرح است./

ماده ۱۱۱ – هر گاه مأمور محل اقامت احضار شده را پیدا نکند یا محل معین نباشد احضارنامه توسط مطبوعات اعلام می‌شود./

ماده ۱۱۲ – احضار شده باید شخصاً حاضر شود و اگر نمی‌تواند حاضر شود باید اعتذار موجه خود را ثابت کند./

ماده ۱۱۳ - جهات ذیل عذر موجه محسوب است/

(۱) نرسیدن احضارنامه یا دیر رسیدن آن به قسمی که مانع از حضور در وقت مقرر شود/

(۲) مرضی که مانع از حرکت است/

(۳) فوت یکی از والدین یا زوج با زوج و یا اولاد و یا مرض سخت یکی از اشخاص مذکوره/

(۴) ابتلای بزرگی از قبیل حریق و امثال آن/

(۵) عدم امکان مراوده به واسطه بلیات سماوی از قبیل امراض مسری وبا طاعون و غیره یا طغیان رودخانه و امثال آن/

(۶) در توقیف یا حبس بودن./

ماده ۱۱۴ - اشخاصی که حاضر نشده و تصدیقی هم در عدم امکان حضور نفرستاده باشند به حکم مستنطق جلب می‌شوند./

ماده ۱۱۵ - مستنطق می‌تواند در موارد ذیل بدون این که بدو احضارنامه فرستاده باشد حکم جلب را بدهد/

(۱) در مورد اتهام به جنایتی که مجازات آنها جزای تهریبی و ترضیلی است رجوع به قانون جزا/

(۲) در مورد اتهام به جرمی که در اهمیت کمتر از فقره اول است ولی بیم فرار و مخفی شدن متهم می‌رود/

(۳) در مورد متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسبشان معین نیست./

ماده ۱۱۶ - جلب متهم به موجب ورقه جلب به عمل می‌آید ورقه جلب که مضمونش مضمون ورقه احضار است باید به متهم ابلاغ شود./

ماده ۱۱۷ - رساننده ورقه جلب بعد از تبلیغ متهم را دعوت می‌نماید که با او نزد مستنطق برود و هر گاه متهم امتناع نماید مأمور از قوای عمومی‌نظمیه و مأمورین دولتی استعانت می‌نماید و هر کس به متهم کمک بنماید مسئول بوده و موافق قانون مجازات می‌شود./

ماده ۱۱۸ - جلب متهم به استثنای موارد فوری روز به عمل می‌آید./

ماده ۱۱۹ - در صورتی که متهم غایب باشد ورقه جلب به نظمیه داده می‌شود که متهم را نزد مستنطق حاضر نماید./

ماده ۱۲۰ - از زمانی که به متهم ورقه جلب ابلاغ می‌شود تا وقتی که در نزد مستنطق حاضر شود مشارالیه در تحت نظر و محافظت خواهد بود./

ماده ۱۲۱ - مستنطق نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب در دست داشته باشد./

ماده ۱۲۲ - هر گاه شخصی که حکم احضار یا حکم جلب درباره او داده شده به واسطه مرضی نتواند در نزد مستنطق حاضر شود بسته به اهمیت و فوریت و احوال امر جزایی مستنطق خود به منزل مریض رفته استنطاق لازم را به عمل می‌آورد و یا منتظر رفع مانع می‌شود./

ماده ۱۲۳ - مستنطق مکلف است که در ظرف بیست و چهار ساعت از زمان حاضر شدن یا حاضر کردن متهم استنطاقات اولیه را به عمل آورد و در ظرف این مدت اگر شروع در استنطاقات نشده باشد مستحفظین متهم را نزد مدعی‌العموم ابتدایی برده و مشارالیه استنطاق فوری او را از مستنطق می‌خواهد و اگر مستنطق امتناع ورزد و یا غایب باشد و یا این که عذر موجهی در تأخیر استنطاق داشته باشد مدعی‌العموم استنطاق را از رییس یا یکی از اعضای محکمه ابتدایی که خودش معین می‌کند می‌خواهد./

ماده ۱۲۴ - هر گاه متهمی که بر حسب احضار یا جلب بیش از بیست و چهار ساعت در توقیف بماند بدون این که مستنطق از او استنطاق نماید و به‌طوری که در ماده قبل ذکر شد پس از حاضر شدن متهم در نزد مدعی‌العموم اقدامی در استنطاق او نشود اینگونه توقیف در ردیف توقیفاتی است که به‌اراده شخصی به عمل آمده در این صورت هر یک از مستحفظین که مرتکب چنین جرمی شده‌اند از شغل خود منفصل می‌شوند./

مستنطق و مدعی‌العموم نیز در ازا تخلفی که از وظایف قانونی خود نموده‌اند از شغل خود منفصل خواهند شد./

ماده ۱۲۵ - مستنطق قبل از استنطاق تحقیق هویت متهم را نموده و می‌گوید به چه تقصیر متهم شده است سئوالات باید مفید و روشن باشد و هرگاه متهم به سئوال مستنطق جواب ندهد مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و مستنطق سئوالات و اقدامات قانونی دیگر که برای کشف حقیقت لازم است می‌کند./

ماده ۱۲۶ - متهمین منفرداً استنطاق می‌شوند و نباید با همدیگر داخل در مذاکره و مواضعه شوند./

ماده ۱۲۷ - جوابها باید به همانطوری که داده می‌شود بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود متهمین با سواد خودشان جواب سئوالات را می‌نویسند./

مبحث پنجم/

در اقداماتی که برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می‌آید/

ماده ۱۲۸ - اشخاصی که در تحت استنطاق هستند نباید از شهر یا حوزه استنطاقیه که استنطاق در آن جا به عمل می‌آید خارج شوند./

ماده ۱۲۹ - برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم موافق ماده (۱۳۰) اقدامات ذیل به عمل می‌آید./

(۱) التزام عدم حرکت از محل اقامت و حاضر شدن برای استنطاق و محاکمه و اجرای حکم در مواقعی که متهم احضار می‌شود/

(۲) ودیعه گذاشتن وجه‌الضمانه/

(۳) دادن کفیل/

(۴) توقیف موقت./

ماده ۱۳۰ - در جرمهایی که به درجه جنایت بوده و مجازات آن جزای تهریبی یا ترذیلی است متهم را می‌توان موقتاً توقیف نمود و همچنین در مواردی که جرم منسوب به متهم جزای تهریبی یا ترذیلی ندارد ولی محل اقامت و شغل متهم معین نیست توقیف جایز است مگر این که متهم کفیل بدهد در سایر موارد منوط به نظر مستنطق است که بر حسب اهمیت جرم یکی از تأمینات مذکوره در ماده قبل را از متهم بخواهد و مستنطق در کلیه مواردی که موافق این ماده و ماده قبل حکم توقیف می‌دهد یا تأمین می‌خواهد فقط به شدت مجازات نباید نظر داشته باشد بلکه دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار و اعدام اثرات جرم و همچنین چگونگی مزاج متهم و سن او و حیثیت او را باید منظور دارد./

ماده ۱۳۱ - هر شخص با ثروت یا شرکتی می‌تواند کفیل متهم شده و مسنول وجه معین در صورت فرار او بشود وجه‌الضمانه ممکن است وجه نقد یا منقول معین باشد و وجه‌الضمانه را چه خود متهم و چه شخص دیگری در عوض متهم می‌توان بدهد مستنطق مبلغ وجه‌الضمانه یا ضمانت نقدی کفیل را نظر به شدت مجازاتی که برای متهم پس از محکوم شدن او مقرر است معین می‌کند و استطاعت کفیل یا کسی که وجه‌الضمانه را ودیع می‌گذارد نیز منظور می‌شود./

ماده ۱۳۲ - مبلغ وجه‌الضمانه یا ضمانت کفیل نباید در هر حال کمتر از خساراتی باشد که مدعی خصوصی تقاضا می‌کند./

ماده ۱۳۳ - مستنطق در باب قبول وجه‌الضمانه یا کفیل قراری داده آن را امضا کرده کفیل یا دهنده وجه‌الضمانه نیز امضا می‌نماید و سواد مصدق‌از قرار به دهنده وجه‌الضمانه یا کفیل داده می‌شود./

ماده ۱۳۴ - در صورتی که متهم فرار نماید از وجه‌الضمانه یا وجهی که کفیل در صورت فرار متهم ضمانت کرده بدو خسارات و غرامات مدعی خصوصی تادیب می‌شود./

ماده ۱۳۵ - متهمی که موافق قانون برای آزادی موقت خود (خودش یا شخص دیگری از طرف او) باید کفیل بدهد یا وجه‌الضمانه ودیع بگذارد مادام که شرایط مذکوره را به عمل نیاورده است در توقیف می‌ماند و پس از دادن کفیل یا ودیع وجه‌الضمانه متهم باز نمی‌تواند از مفاد فقره اول ماده (۱۲۹) تخلف نماید./

ماده ۱۳۶ - هر گاه متهم در مواعد مقرر حاضر شده و سرپیچی از اطاعت حکم محکمه ننمود و همچنین در مواقعی که متهم به واسطه عذر موجه حاضر نشده وجه‌الضمانه مسترد و یا کفیل از مسئولیت فارغ می‌شود./

ماده ۱۳۷ - حکم توقیف موقتی باید به متهم در حین فرستادن او به توقیفگاه ارائه شود نیز باید سواد حکم توقیف به توقیفگاه فرستاده شود./

ماده ۱۳۸ - در توقیفگاه باید دفتری برای تحویل دادن متهمین و مقصرین موجود بوده و تحویل دهند قبض رسید گرفته به مستنطق تسلیم کند./

مبحث ششم/

در احضار شهود تحقیق و مطلعین و استنطاق آنان/

ماده ۱۳۹ - مستنطق اشخاصی را که در ضمن شکایت‌نامه و اخبارنامه اسم برده شده و شخصی را که مدعی عمومی معین کرده و کسی را که مستنطق می‌داند که از واقعه یا اوضاع و احوال مطلع است برای تحقیق احضار خواهد نمود احضار موافق اصول مقرر به عمل می‌آید./

ماده ۱۴۰ - شهود تحقیق و مطلعین به توسط مأمورین اجرا و یا در صورت نبودن توسط مأمورین نظمیه یا ژاندارم به تقاضای مدعی‌العموم احضار می‌شوند./

ماده ۱۴۱ - ژاندارم برای احضار شهود تحقیق و مطلعین مأمور نخواهد شد جز در مواردی که مشارالیه از حاضر شدن امتناع نمایند./

ماده ۱۴۲ - در صورتی که یکی از شهود تحقیق یا مطلعین از تابعین نظامی باشد باید احضار او را لااقل در مدت بیست و چهار ساعت قبل از زمان تحقیق و محاکمه از رییس آن دسته که شخص مزبور در آن جا مستخدم است بخواهند و رییس نظامی مکلف است که شخص احضار شده را در موقع به‌عدلیه بفرستد./

ماده ۱۴۳ - مستنطق شهود تحقیق و مطلعین را فرداً فرد بدون حضور متهم احضار و سئوالات لازمه را می‌نماید و منشی اطلاعات ایشان را نوشته به مهر و امضا آنان می‌رساند تجدید استعلام از شهود و مطلعین و مواجه آنان در صورت اختلاف جایز است./

ماده ۱۴۴ - استنطاق در هر مورد غیر علنی است./

ماده ۱۴۵ - شهود تحقیق و مطلعین قبل از اظهار اطلاعات متعهد می‌شوند که جز به صدق و راستی چیزی نگویند و مستنطق قبل از شروع به استنطاق اسم و اسم پدر و شغل و منزل و محلی را که در آن متوطن است و درجه قرابت سببی یا نسبی و خادم یا مخدوم بودن مطلع را نسبت به مدعی خصوصی یا متهم سئوال کرده کاتب می‌نویسد./

ماده ۱۴۶ - در صورتی که یکی از مطلعین به واسطه ارتکاب تقصیری به مجازات محکوم شده یا به حد بلوغ نرسیده باشد مستنطق او را ملتزم نمی‌نماید سئوالات از او فقط برای مزید اطلاعات است کلیه در باب گرفتن التزام از شهود تحقیق و مطلعین مستنطق موافق مواد (۲۴۴) الی ماده (۲۴۸) رفتار می‌نماید./

ماده ۱۴۷ - پس از آن که شهادت یا اظهار اطلاعی با تمام رسید منشی محکمه آن را قرائت نموده به مهر و امضا شاهد تحقیق یا مطلع می‌رساند و اگر از مهر و امضا امتناع ورزند یا این که نتوانند امضا کنند مراتب در ورقه استنطاقیه قید می‌شود و هر یک از صفحات اوراق تحقیق باید به امضا و مهر مستنطق و کاتب برسد./

ماده ۱۴۸ - قبل از آن که شهود تحقیق و مطلعین شروع به اظهار و دادن اطلاعات نمایند مستنطق آنان را حاضر و غائب نموده پس از آن هر کدام را اصلاح می‌داند مقدماً یا مؤخرأ احضار می‌کند./

ماده ۱۴۹ - مستنطق و منشی کلیه ترتیباتی را که در چهار ماده قبل ذکر شد باید کاملاً مراعات نمایند و نقض‌کننده اگر منشی است ده تومان از مقرری او کسر می‌شود و اگر مستنطق است مورد شکایت و مسئولیت خواهد بود/

ماده ۱۵۰ - در اوراق استنطاقیه نوشتن بین‌السطور و تراشیدن کلمات به کلی ممنوع است اگر یک یا چند کلمه اضافه نوشته شده باشد باید بر روی آن خطی نازل کشیده شود و مستنطق و منشی و شخصی که طرف استنطاق است آن را قید و امضا نماید و همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود باید اشخاص مذکوره ذیل آن را امضا کنند و هر گاه این ترتیب را مجری ندارند کلمات مزبوره از درجه اعتبار ساقط است./

ماده ۱۵۱ - هر یک از شهود تحقیق و مطلعین در روز موعود باید حاضر شوند در صورتی که به اختیار حاضر نشوند بر حسب رای مدعی‌العمومی می‌تواند آنان را جلب نماید./

ماده ۱۵۲ - در صورتی که شخص شاهد یا مطلع برای حاضر نشدن خود عذر موجهی داشته باشد و مدعی‌العمومی آن عذر را بپذیرد احضار به ثانوی فرستاده خواهد شد./

ماده ۱۵۳ - در صورتی که یکی از مطلعین برای حاضر شدن عنوان ضرر و خسارتی از حیث شغل و کار خود بکند تعیین مقدار ضرر موافق تعرفه مقرر که وزارت عدلیه از روی تصدیق اهل خبره معین و اعلام خواهد کرد با مستنطق خواهد بود.

ماده ۱۵۴ - در صورتی که شخص شاهد یا مطلع مریض باشد و نتواند حاضر شود مستنطق خود به محل اقامت مریض رفته استنطاق می‌کند و اگر بعد مسافت مانع باشد در صورتی که اقامتگاه مطلعین در همان حوزه ابتدایی که مستنطق در آن مأموریت دارد واقع است به امین محل اقامتگاه مطلع تعلیمات لازم می‌دهد که اظهارات مطلعین را استماع نموده صورت آن را برای مستنطق ارسال دارد و هر گاه محل اقامت مطلعین در حوزه ابتدایی دیگری باشد به مستنطق آن حوزه رجوع می‌نماید.

ماده ۱۵۵ - مدلول ماده قبل نیز شامل مواردی است که عده شهود تحقیق و مطلعین زیاد بوده و در یک محل مقیم باشند یا استنطاق شاگردان مدارس و مکاتب لازم شود.

ماده ۱۵۶ - در صورتی که محکمه از مستنطقی که در شهر دیگر اقامت دارد استعلامات لازم را می‌نماید آن مستنطق را فقط به عنوان شغل رسمی خطاب خواهد نمود و در صورت تعدد مستنطقین هر یک از آنان می‌توانند اقدامات نموده جواب و تحقیقات خود را کتبا به محکمه مزبوره ارسال دارند.

مبحث هفتم/

در تحقیقات محلی/

ماده ۱۵۷ - هر گاه لازم شود برای توضیح مسائل و نکات لازم در باب شغل و حالات متهم تحقیقات محلی به عمل آید و همچنین در مواردی که متهم به اطلاعات اهل محل استناد می‌نماید مستنطق تحقیقات محلی را مجری می‌دارد.

ماده ۱۵۸ - مستنطق تاریخ تحقیقات محلی را به مدعی‌العموم محکمه ابتدایی یا معاون او اطلاع می‌دهد و هر گاه متهم که در تحت توقیف است مایل باشد که در تحقیقات حضور به هم رساند به محل تحقیقات فرستاده می‌شود.

ماده ۱۵۹ - مستنطق بعد از ورود به محل موافق قواعدی که در اصول محاکمات حقوقی برای تحقیقات محلی مقرر است رفتار می‌نماید.

ماده ۱۶۰ - اشخاصی که تحقیقات از آنان به عمل می‌آید بدو ملتزم می‌شوند که بر خلاف صدق چیزی نگویند.

باب دوم/

در قرار جلب به محاکمه یا منع آن/

فصل اول/

در اوامر مستنطق و مدعی‌العموم/

محکمه ابتدایی پس از ختم تحقیقات/

ماده ۱۶۱ - پس از آن که استنطاق متهم تمام شد مستنطق به متهم اعلام می‌دارد که اگر در برائت خودش باز اظهاری دارد بنماید و پس از اظهار آخری متهم مستنطق تحقیقات را ختم و بعد از اظهار عقیده خود در ذیل تحقیقات امر ابلاغ آن را به مدعی‌العموم درج نموده صورت تحقیقات و استنطاقات را نزد مدعی‌العموم محکمه ابتدایی ارسال می‌دارد.

ماده ۱۶۲ - اگر مستنطق را عقیده بر آن شد که عمل شخص متهم متضمن هیچ جرمی از خلاف یا جنحه یا جنایت نیست عقیده خود را بر عدم تقصیر مشارالیه در ذیل تحقیقات اظهار می‌دارد و اگر عقیده مستنطق بر تقصیر متهم است صریحا آن را قید می‌کند.

ماده ۱۶۳ - مدعی‌العموم محکمه ابتدایی باید در ظرف سه روز دوسیه تحقیقات و استنطاقات را ملاحظه نموده تقاضانامه خود را در ذیل دوسیه نوشته به مستنطق معاودت دهد.

ماده ۱۶۴ - در صورتی که به نظر مدعی‌العموم تحقیقات و استنطاقات کامل نباشد در تقاضانامه خود می‌تواند تکمیل آن را از مستنطق بخواهد.

ماده ۱۶۵ - هر گاه عقیده مدعی‌العموم بر بی‌تقصیر متهم باشد در تقاضانامه خود امر به عهده تعقیب محاکمه داده و اگر بر عکس عقیده مدعی‌العموم بر تقصیر متهم باشد امر جلب مقصر را به محاکمه می‌دهد.

ماده ۱۶۶ - پس از آن که دوسیه تحقیقات و استنطاقات با تقاضانامه مدعی‌العموم به مستنطق اعاده داده شده مشارالیه در صورتی که با عقیده مدعی‌العموم موافق باشد در صورت تقصیر متهم دوسیه تحقیقات را به محکمه که صلاحیت رسیدگی دارد ارسال می‌دارد بدین ترتیب که اگر امر جزایی خلاف است به محکمه خلاف و هر گاه جنحه یا جنایت است دوسیه را به محکمه جنحه یا جنایت می‌فرستد و در صورت عدم تقصیر امر به آزادی متهم می‌نماید.

ماده ۱۶۷ - هر گاه موافقت عقیده مابین مستنطق و مدعی‌العموم حاصل نشود (یکی متهم را مقصر و دیگری بی‌تقصیر بداند یا بالعکس) رفع اختلاف راجع به محکمه استیناف شده موافق قرار محکمه مذکوره رفتار می‌شود.

ماده ۱۶۸ - مدعی‌العموم تکمیل تحقیقات و استنطاقات را در صورتی می‌تواند بخواهد که نقصان آن از جهت یا جهات مهمه باشد لذا اگر مدعی‌العموم به واسطه نواقص غیر مهمه تکمیل تحقیقات را خواسته عملی را معوق بدارد قانونا مسنول خواهد بود.

ماده ۱۶۹ - مدعی‌العموم در حینی که حکم منع محاکمه یا جلب به محاکمه را می‌دهد می‌تواند تقاضا نماید که نسبت به اقداماتی که برای جلوگیری متهم از فرار یا مخفی شدن شده است تخفیف یا تشدید به عمل آید.

ماده ۱۷۰ - در تقاضانامه مدعی‌العموم باید نکات ذیل تصریح شود/

(۱) اسم و شهرت و مسن و محل اقامت متهم/

(۲) در تحت توقیف است یا آزاد/

(۳) به چه تقصیر متهم است/

(۴) نتیجه تحقیقات و دلایل اتهام/

(۵) مقصر است یا بی‌تقصیر در صورتی که متهم را مدعی‌العموم مقصر بداند باید تصریح کند/

(اول) تقصیر متهم موافق قانون چه جرمی است/

(دوم) تاریخ و محل وقوع جرم/

ماده ۱۷۱ - مدعی خصوصی در کلیه مواردی که اوامر مستنطق حقوق او را تضییع یا تضییق می‌نماید می‌تواند اعتراض کند اما شخص متهم نمی‌تواند اعتراض نماید جز در مورد حکم توقیف موقت تمام اعتراضات باید در مدت بیست و چهار ساعت بشود اگر اعتراض از طرف مدعی‌العمومی باشد ابتدای مدت مزبوره از روز صدور امر محسوب می‌شود و اگر اعتراضی از طرف مدعی خصوصی یا شخص متهمی که در توقیف نیست بشود ابتدای مدت از روز ابلاغ به مدعی خصوصی یا متهم و یا محل اقامت آنان خواهد بود و اگر راجع به متهمی باشد که در توقیف است از روزی محسوب می‌شود که امر در محل توقیف به توسط منشی محکمه به او اعلام شده است ابلاغات و اعلامات باید در ظرف بیست و چهار ساعت بعد از صدور امر بشود./

ماده ۱۷۲ - اعتراض به محکمه استیناف داده می‌شود و هیأت محکمه معجل رسیدگی می‌کند آلات و ادوات استنطاقیه نیز به محکمه مزبوره فرستاده می‌شود./

ماده ۱۷۳ - شکایات و اعتراضات را می‌توان قبل از شروع محکمه به محاکمه نمود هر گاه شکایات شفاهی باشد در دفتر نوشته شده به امضای شاکی می‌رسد و اگر نتواند امضا کند قید می‌شود./

ماده ۱۷۴ - اعتراض باعث توقیف جریان تحقیقات و استنطاقات نمی‌شود و کلیه اقدامات مستنطق به حال خود باقی می‌ماند تا حکم محکمه استیناف صادر شود لهذا شخص متهمی که به حکم مستنطق توقیف شده به حال توقیف خواهد بود تا حکم محکمه استیناف صادر شود ولی در مورد حکم آزادی متهم حکم مزبور با تحصیل تأمین کافی مجری می‌شود./

ماده ۱۷۵ - محکمه استیناف بعد از وصول اعتراض خارج از نوبت در جلسه اداری معمولی رسیدگی می‌کند عضو محقق راپرت مسئله را خوانده به صورت تحقیقات در صورت لزوم مراجعه می‌شود شاکی می‌تواند توضیحات بدهد و محکمه پس از استماع عقیده مدعی‌العموم قرار لازم می‌دهد و قرار مزبور را به شاکی اطلاع داده فوراً مجری می‌دارد و اگر شاکی سوادى از قرار محکمه بخواهد باید در ظرف سه روز داده شود./

ماده ۱۷۶ - شکایات از اداره نظمیه و ژاندارم به مدعی‌العموم محکمه ابتدایی داشته می‌شود./

فصل دوم/

در رسیدگی محکمه استیناف در موارد اختلاف بین عقیده مدعی‌العموم ابتدایی و مستنطق/

ماده ۱۷۷ - رسیدگی محکمه استیناف از قرار ذیل است:/

(۱) عضو محقق دفتر تحقیقات را مطالعه کرده در محکمه مضمون آن را شفاهاً اظهار داشته و نکات لازم را خاطرنشان می‌کند و جاهایی را که باید علناً قرائت کند قرائت می‌نماید/

(۲) مدعی‌العموم محکمه استیناف عقیده مدعی‌العموم محکمه ابتدایی را قرائت کرده و توضیحات لازم را داده عقیده خود را اظهار می‌نماید./

ماده ۱۷۸ - محکمه پس از رسیدگی موافق قواعد مقرر بدون حضور مدعی‌العموم مشاوره نموده قرار جلب مقصر را به محاکمه یا منع تعقیب و محاکمه را می‌دهد محکمه استیناف می‌تواند در صورت کافی نبوده تحقیقات قرار تکمیل آن را بدهد./

ماده ۱۷۹ - سواد مصدق قرار محکمه استیناف در باب جلب متهم به محاکمه توسط مدعی‌العموم استیناف به مدعی‌العموم محکمه ابتدایی تبلیغ می‌شود و بر عهده مشارالیه است امور جنایی را در جایی که محاکمه جنایی در محکمه ابتدایی می‌شود تعقیب نماید./

ماده ۱۸۰ - هر گاه محکمه استیناف در باب منع تعقیب متهم و عدم جلب او به محاکمه قرارداد دیگر او را نمی‌توان تعقیب نمود مگر به اجازه محکمه استیناف و آن هم در صورتی که بعد از منع تعقیب و محاکمه که به واسطه فقد دلائل کافی بوده دلائل کافی جدید کشف بشود./

باب سوم/

در محاکم جزایی خلاف و جنحه و جنایت/

فصل اول/

در صلاحیت محاکم جزایی/

ماده ۱۸۱ - جرائمی که رسیدگی به آنها راجع به محاکم عدلیه است به سه درجه تقسیم می‌شوند./

(۱) جنایت/

(۲) جنحه/

(۳) خلاف/

ماده ۱۸۲ - جنایت عبارت از جرمی است که جزای آن تهریبی و ترذیلی با هم است یا فقط ترذیلی است (رجوع به قانون مجازات)/

ماده ۱۸۳ - جنحه عبارت از جرمی است که جزای آن موافق قانون مجازات تأدیبی است./

ماده ۱۸۴ - خلاف عبارت از جرمی است که جزای آن تکذیری است چنانکه قانون مجازات معین می‌کند./

ماده ۱۸۵ - رسیدگی به خلاف و همچنین جنحه‌های کوچک که مجازات آن خفیف است از وظایف محاکم ملحقه و رسیدگی به جنحه‌های بزرگ که مجازات آن شدیدتر است راجع به محکمه ابتدایی محکمه جنحه است به جنایات اصولاً باید در محکمه جنایی که در محکمه استیناف تشکیل می‌شود رسیدگی بشود ولی مادامی که محکمه استیناف در تمام حوزه‌های استینافیه تشکیل نشده برای سهولت جریان و عدم تعطیل و تعویق امور که از نقل متهمین جنایی از محلی به محلهای بعید در غیاب محکمه جنایی حاصل تواند شد محکمه ابتدایی به امور جنایی نیز رسیدگی می‌کند./

ماده ۱۸۶ - محکمه ابتدایی در مواردی که قائم مقام محکمه جنایی می‌شود موافق قواعدی که برای محکمه جنایی مقرر است رسیدگی می‌کند./

ماده ۱۸۷ - به جرمهای جنحه که بواسطه مطبوعات حاصل می‌شود در محکمه جنایی رسیدگی می‌شود./

ماده ۱۸۸ - رؤسا محاکم ابتدایی و اعضا آن در صورتی که متهم به ارتکاب جنحه شوند پس از رسیدگی مجلس اداری عالی به نحوی که در قانون تشکیلات مقرر است در محاکم استیناف محاکمه می‌شوند و محاکمه رؤسا و اعضا محاکم استیناف نیز پس از محاکمه اداری با دیوان تمیز است./

ماده ۱۸۹ - هر گاه وزیری در زمان وزارت متهم به ارتکاب جنحه یا جنایتی شود چه سیاسی باشد و چه غیر سیاسی در جلسه عمومی دیوان تمیز محاکمه می‌شود/

ماده ۱۹۰ - هر گاه شخص غیر بالغ مرتکب جنایت شود در محکمه جنحه به آن جنایت رسیدگی خواهد شد و اگر شخص بالغی در آن جنایت شرکت داشته باشد رسیدگی به محکمه جنایی راجع است./

ماده ۱۹۱ - صاحب‌منصبان و تائیین نظامی بری و بحری و همچنین مستحفظین سرحدی هر گاه در موقعی که سر خدمت هستند متهم به ارتکاب جنحه یا جنایتی شوند رسیدگی به آن از خصایص محاکم نظامی است مستثنیات این ماده در موارد ذیل مصرح است./

ماده ۱۹۲ - صاحب‌منصبان و تائیین نظامی که جزو قشون ردیف یا احتیاطی محسوب می‌شوند در صورت اتهام به جنحه و جنایت در محاکم عمومی محاکمه می‌شوند مگر این که محقق شود که تقصیر آنان راجع به خدمات نظامی است./

ماده ۱۹۳ - همچنین صاحب‌منصبان نظامی متقاعد در مورد اتهام به جنحه و جنایت باید در محاکم عمومی محاکمه شوند مگر این که کشف شود که جرم آنان در زمانی واقع شده که در سر خدمت نظامی بوده‌اند یا جرم مزبور مربوط به تکالیف نظامی آنان./

ماده ۱۹۴ - صاحب‌منصبان و تائیین نظامی که در ادارات کشوری مشغول خدمتند در حکم صاحب‌منصبان نظامی هستند که در ماده قبل مذکور است یعنی در صورتی که جرم آنان راجع به نقض تکالیف خدمت نظامی آنان نباشد در محاکم عمومی محاکمه می‌شوند./

ماده ۱۹۵ - صاحب‌منصبان کشوری که در قشون بری و بحری مشغول خدمتند در صورتی که جرم آنان راجع باشد به عدم اطاعت نظامی یا سایر تکالیف مقرر که برای خدمت آنان در جزو نظام معین شده است در محکمه نظامی و در سایر موارد در محاکم عمومی محاکمه می‌شوند./

ماده ۱۹۶ - در غیر موارد ماده قبل صاحب‌منصبان و مأمورین کشوری فقط در صورتی که محاکم نظامی محاکمه می‌شوند که در محل ارتکاب جرم به طوری که قانون معین می‌کند حکومت نظامی اعلان شده باشد./

ماده ۱۹۷ - هر گاه کسی متهم به ارتکاب چند جرم از درجات مختلفه باشد در محکمه محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی را به مهم‌ترین جرم دارد/

ماده ۱۹۸ - شرکا و معاونین مجرم در محکمه محاکمه می‌شوند که صلاحیت حکم را درباره مجرم اصلی دارد./

ماده ۱۹۹ - هر گاه کسی مرتکب جرمی شود در محکمه رسیدگی می‌شود که جرم در حوزه آن وقوع یافته و اگر شخصی مرتکب چندین جرم در جاهای مختلف بشود در محکمه به آن جرم رسیدگی می‌شود که مهمترین از جرایم در حوزه آن واقع شده است و هر گاه جرمهای مرتکب از یک درجه باشد محکمه که مرتکب در حوزه آن گرفتار شده یعنی دستگیر شده به آن رسیدگی می‌نماید در این مورد مستنطق هر محلی تحقیقات لازم را موافق تکالیف خود به عمل آورده به مدعی‌العموم محکمه که باید رسیدگی نماید نتیجه تحقیقات را ارسال می‌دارد./

ماده ۲۰۰ - هر گاه یکی از تبعه ایران در خارجه مرتکب جنحه یا جنایتی شده و در ایران به دست بیاید در محکمه محاکمه می‌شود که در حوزه اومقصر را یافته‌اند./

فصل دوم/

در رفع اختلافات راجعه به صلاحیت/

ماده ۲۰۱ - برای رفع اختلافاتی که در مسئله صلاحیت فیما بین محاکم حاصل شده موافق مواد قوانین محاکمات حقوقی با رعایت مواد ذیل رفتار می‌شود/

ماده ۲۰۲ - امور راجعه به اختلافات مذکوره در ماده قبل در محکمه عالی (محکمه که از حیث درجه بالاتر است) در دو مورد ذیل طرح می‌شود ایه واسطه شکایت اشخاصی که در امر شرکت دارند ب به تکلیف مدعی‌العموم/

ماده ۲۰۳ - حدوث اختلاف در باب صلاحیت و طرح آن در محکمه عالی باعث توقیف تحقیقات مقدماتی نمی‌شود ولی شروع به محاکمه و صدور حکم تا تسویه اختلاف به تعویق می‌افتد./

ماده ۲۰۴ - رفع اختلاف مابین محاکم و عدلیه نظامی با دیوان تمیز است که پس از خواستن توضیحات لازمه از وزارت جنگ رسیدگی کرده حکم می‌دهد/

فصل سیم/

در احاله دعوی جزایی از محکمه بمحکمه/

ماده ۲۰۵ - احاله دعوی جزایی از محکمه بمحکمه از حوزه به حوزه دیگر باید به اجازه محکمه عالی محکمه که از حیث درجه بالاتر است باشد و استدعای احاله یا توسط محکمه تالی که مشغول رسیدگی به امری است به عمل می‌آید یا به تکلیف مدعی‌العموم محکمه مذکوره./

ماده ۲۰۶ - محکمه عالی احاله کار را از محکمه تالی به محکمه تالی دیگر که هر دو در حوزه آن محکمه عالی هستند در دو مورد ذیل اجازه می‌دهد ۱ در صورتی که بیشتر متهمین یا شهود امری که وقوع یافته در حوزه محکمه دیگری اقامت دارند ب وقتی که محل وقوع جرم از محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد دور است و محکمه دیگر به واسطه نزدیکی بهتر می‌تواند رسیدگی کند/

ماده ۲۰۷ - دیوان تمیز حق دارد در غیر موارد مذکوره در ماده قبل هم اجازه احاله دعوی جزایی را از یک حوزه به حوزه دیگری بدهد در صورتی که دیوان مزبور این اقدام را برای صدور حکم در محکمه تالی از روی بی‌غرضی یا حفظ انتظام و امنیت عمومی لازم بداند./

فصل چهارم/

در رسیدگی محاکم صلاحیه/

مبحث اول/

در صلاحیت محاکم صلاحیه در مواردی که محاکم مزبوره شروع به رسیدگی می‌کند/

ماده ۲۰۸ - محاکم صلاحیه به کلیه خلافها و همچنین به جنبه‌های کوچک رسیدگی کرده قطع و فصل می‌نمایند لهذا فقط اموری به محاکم صلاحیه راجع است که مجازات آن بیش از یک ماه حبس یا در موارد عرفی بیش از پنجاه تومان جزای نقدی نباشد.

ماده ۲۰۹ - محکمه صلاحیه در یکی از موارد ذیل شروع به رسیدگی می‌کند/

(۱) به موجب شکایات اشخاص به واسطه ضرر و زیانی که از جرم به آنان وارد آمده/

(۲) به موجب اخبار کمیسی‌ریهای نظمیه و مأمورین رسمی/

(۳) در موارد جرم مشهود.

ماده ۲۱۰ - مدعیان خصوصی می‌توانند شخصاً یا توسط وکیل شکایت نمایند وکلا تابع قواعدی هستند که در قوانین تشکیلات عدلیه و قوانین محاکمات حقوقی مقرر است.

ماده ۲۱۱ - در عرضحال و شکایات باید قید شود/

(۱) اسم و اسم پدر محل اقامت مدعی/

(۲) موضوع شکایت و این که در چه وقت واقع شده/

(۳) ضرر و زیانی که به مدعی وارد آمده است/

(۴) شخصی که طرف سوطن است و محل اقامت او/

(۵) مطلعین واقعه با دلائل قضیه/

(۶) تاریخ وقوع.

ماده ۲۱۲ - عرضحال ممکن است کتبی یا شفاهی باشد و اگر شفاهی باشد باید در دفتر محکمه صلاحیه قید شده بعد از قرائت به امضای مدعی برسد و اگر نتواند امضا نماید مراتب قید می‌شود.

ماده ۲۱۳ - هر گاه طرف مدعی غیر معین بوده یا دلائل اقامه دعوی کافی نباشد و امر از اموری باشد که اهمیت داشته و صرف نظر از شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب و رسیدگی باشد محکمه صلاحیه به کمیسر پلیس یا قائم مقام او مراتب را اطلاع داده اجرای تحقیقات لازم را می‌خواهد.

ماده ۲۱۴ - مدعی می‌تواند بدو در باب ضرر و زیان خود به نظمیه نیز رجوع نماید در این مورد نظمیه پس از تحقیقات اطلاعات و نتیجه تحقیقات خود را به محکمه صلاحیه می‌فرستد.

ماده ۲۱۵ - اداره نظمیه و مأمورین دولتی هر گاه جرائمی را کشف کنند که رسیدگی آن راجع به محاکم صلاحیه بوده و صرف نظر از وجود یا فقدان مدعی یا شاکی قابل تعقیب باشد به محاکم صلاحیه اطلاع می‌دهند.

در موارد مزبوره باید اطلاعات ذیل صریحاً در اعلاتنامه قید شود/

(۱) جرم در کجا واقع شده است/

(۲) کی طرف ظن است و به چه دلیل/

(۳) مدعی و شهودی در قضیه هست یا نه/

(۴) محل اقامت اشخاص مذکور (در صورتی که باشند)/

ماده ۲۱۶ - در موردی که اداره نظمیه و مأمورین دولتی اعلام جرمی به محکمه صلاحیه می‌نمایند در موارد ذیل می‌توانند مقصر را هم با اعلام‌نامه به محکمه صلاحیه بفرستند/

(۱) در صورتی که نظمیه مرتکب را در جین ارتکاب به دست آورده است و محل اقامت او معین نیست و نمی‌توان اطمینان به اظهار او در باب اسم و محل اقامت او حاصل نمود/

(۲) در صورتی که عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس است و احتمال می‌رود که آثار ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند.

ماده ۲۱۷ - در موارد جرائم مشهوده امین صلح در صورت لزوم تحقیقات لازم اجرای آن را از نظمیه می‌خواهد و هر گاه نظمیه مسامحه در اجرای آن نماید امین صلح مراتب را به مدعی‌العموم محکمه ابتدایی اطلاع می‌دهد و همچنین است در مورد اقدامات خلاف قاعده صاحب‌منصبان زاندارم.

مبحث دوم/

در احضار/

ماده ۲۱۸ - احضار متهم یا مقصر توسط احضارنامه کتبی به عمل می‌آید/

ماده ۲۱۹ - در احضارنامه باید قید شود/

(۱) اسم و شهرت کسی که احضار می‌شود/

(۲) محکمه که احضار می‌کند/

(۳) جهت احضار/

(۴) نتیجه عدم حضور.

تبصره - قواعد تبلیغ احضار همان است که در قوانین محاکمات حقوق مقرر است.

ماده ۲۲۰ - موعد احضاریه لااقل بیست و چهار ساعت از روز ابلاغ احضارنامه به طرف یا به اقامتگاه او است برای هر چهار فرسخ مسافت اقامتگاه متهم یا مدعی‌علیه از محکمه یک روز علاوه می‌شود هر گاه امر فوتی باشد متهم را می‌توان زودتر

احضار کرد./

ماده ۲۲۱- شخصی که احضار شده می‌تواند شخصاً حاضر شود یا وکیل بفرستد ولی اگر محکمه صلح حضور او را لازم دید باید شخصاً حاضر شود./

ماده ۲۲۲- در صورت ضرورت حضور متهم یا مقصر هر گاه مشارالیه حاضر نشود امین صلح ورقه جلب برای او می‌فرستد مضمون ورقه جلب مثل ورقه احضار است./

ماده ۲۲۳- روز رسیدگی به مدعی اطلاع داده می‌شود در موارد اطلاعاتی که مأمورین دولتی در باب جرمی داده‌اند خود یا نماینده آنان با وکالت‌نامه باید حاضر شوند./

ماده ۲۲۴- مطلعین یا شهود تحقیق را اگر طرفین خودشان نیاورده‌اند توسط محکمه احضار می‌شوند شهودی که از تأیین نظامی هستند باید توسط رؤسا دسته‌هایی که در آنجا مشغول خدمتند احضار شوند و هر گاه رؤسا تصدیق دهند که به واسطه خدمت نظامی نمی‌توانند حاضر شوند در محل خدمت شهادت آنان اخذ می‌شود./

ماده ۲۲۵- هر گاه شهود بدون عذر موجه در روز مقرر حاضر نشدند و محل اقامت آنان در جایی است که بیش از دو فرسخ از صلحیه مسافت ندارد به حکم محکمه جلب خواهند شد./

ماده ۲۲۶- شاهد می‌تواند در ظرف یک هفته عذر موجه خود را به صلحیه پیشنهاد کند و هر گاه محکمه صلح اعتذار او را پذیرفت جلب نشده احضار نامه ثانوی فرستاده خواهد شد./

ماده ۲۲۷- هر گاه عده شهود زیاد بوده و تماماً در محلی مقیم باشند یا شاهد به واسطه مرض نتواند در محکمه حاضر شود در محل یا در منزل شخصی استماع شهادت آنان خواهد شد و هر گاه شاهد در حوزه محکمه صلحیه دیگری اقامت داشته و بعد مسافت بیش از دو فرسخ باشد می‌توان شهادت او را توسط آن محکمه صلح استماع نمود./

ماده ۲۲۸- هر گاه محکمه از شهود و ارباب اطلاع کسب اطلاع نماید و بعد معلوم شود که خلاف واقع گفته‌اند اعم از این که بر نفع یا ضرر یکی از طرفین دعوی باشد/

(اولاً) اگر شهادت جعلی آنان موجب خسارتی شده محکوم به تأدیه آن خواهند بود/

(ثانیاً) در هر حال کذب شهادت آنان به اعلان در عدلیه و مطبوعات نشر خواهد شد و هر گاه التزام داده باشند که به صحت ادای شهادت نمایند به حکم محکمه که صلاحیت دارد به مجازات قانونی محکوم می‌شوند./

ماده ۲۲۹- مخارج احضار شهود و حق الزحمه آنان در صورتی که مطالبه شود بعد از تعیین محکمه به عهده کسی است که به شهادت آنان استناد کرده و در موقع جزو مصارف عدلیه از محکوم علیه دریافت می‌شود./

مبحث سیم/

در تأخیر رسیدگی و اقدام در ممانعت از فرار/

ماده ۲۳۰- تأخیر رسیدگی یا بتراضی طرفین و یا به خواهش یکی از متداعیین به عمل می‌آید در صورت اخری باید خواهش تأخیر با دلیل باشد./

ماده ۲۳۱- در صورتی که اوضاع و احوال کار و ضرورت تحقیقات لازمه مستلزم تأخیر باشد محکمه صلح می‌تواند خودش رسیدگی را به تأخیر اندازد./

ماده ۲۳۲- هر گاه بعد از انقضای مدت یکی از طرفین حاضر نشد طرف دیگر می‌تواند در صورتی که حضور او را غائب تقاضا کرده باشد تأدیه مخارج حاضر شدن خود را از غائب مطالبه نماید و در صورتی که غیبت شخص غائب موجه نبوده محکمه صلحیه حکم تأدیه آن را می‌دهد./

ماده ۲۳۳- هیچکدام از طرفین نمی‌توانند در حین محاکمه بدون اطلاع محکمه صلح از محل اقامت خودشان حرکت نمایند./

ماده ۲۳۴- در صورتی که محکمه صلح احتمال فرار متهم یا مقصر را بدهد پس از مطالبه مدعی بسته به اهمیت مسئله التزام عدم حرکت یا وجه الضمانه یا کفیل می‌گیرد./

ماده ۲۳۵- محکمه صلح مقدار وجه الضمانه را که باید متهم یا دیگری از طرف متهم ودیعه بگذارد نظر به اهمیت مجازاتی که پس از ثبوت تقصیر متهم داده می‌شود و نظر به استطاعت کفیل معین می‌نماید./

ماده ۲۳۶- در صورتی که ادعای مدعی مبنی بر دلایل کافی باشد مقدار وجه الضمانه نباید کمتر از ادعای ضرر مدعی خصوصی باشد./

ماده ۲۳۷- قراری که امین صلح در باب قبول ودیعه گذاشتن وجه الضمانه می‌دهد باید خود امضا کرده و به امضای ودیعه‌گذارنده یا کفیل نیز برسد./

ماده ۲۳۸- ودیعه گذاشتن وجه الضمانه یا دادن کفیل نقض ماده (۲۳۳) را نمی‌کند./

ماده ۲۳۹- هر گاه متهم فرار نماید یا مخفی شود وجهی که ودیعه گذاشته شده یا وجهی که از کفیل گرفته می‌شود به تأدیه ضرر و زیانی که مدعی خصوصی ادعا کرده است صرف و مابقی از بابت مصارف عدلیه محسوب می‌شود./

مبحث چهارم/

در رد امنای صلحیه/

ماده ۲۴۰- موارد رد امنای صلح همان است که در ماده (۲۳۲) و (۲۳۳) این کتاب مقرر است در صورت رد اظهار آن را مدعی در موقع دادن عرضحال و مدعی علیه یا متهم در روز اول که به محکمه حاضر می‌شود باید بنماید در صورت قبول رد یا استعفا امین صلح رسیدگی را به نزدیکترین محکمه صلح دیگر رجوع می‌کند./

مبحث پنجم/

در ترتیب رسیدگی/

ماده ۲۴۱- رسیدگی محکمه صلح علنی است به استثنای موارد ذیل که محاکمه بدون تماشاچی به عمل می‌آید/

(۱) در امور راجعه به حقوق خانواده/

(۲) در موارد راجعه به عصمت/

(۳) در مواردی که علنی بدون محاکمه بر خلاف اخلاق حسنه و حفظ امنیت و انتظام مملکتی است./

ماده ۲۴۲ – طرفین چه حاضر باشند و چه نباشند حق دارند برای مرافعه وکیل معین کنند./

ماده ۲۴۳ – محکمه بعد از اظهار مطلب و اقامه دعوی مدعی از متهم می پرسد که خود را مقصر می داند یا نه هر گاه متهم ساکت شد یا انکار کرد شروع به استماع شهود و دلائل طرفین کرده رسیدگی می کند./

ماده ۲۴۴ – شهادت اشخاص مفصله مسموع نیست/

(۱) شهادت مجانبین و اشخاص مختل العقل/

(۲) شهادت وکیل طرفی نسبت به اقرار موکل خودش./

ماده ۲۴۵ – زوج یا زوجه متهم یا متهمه و همچنین اسلاف و اعقاب و برادر و خواهر او می توانند از ادای شهادت امتناع نمایند و اگر امتناع نکردند بدون التزام شهادت آنان شنیده می شود./

ماده ۲۴۶ – شهادت اشخاص ذیل را بدون خواستن التزام استماع می نمایند/

(اول) اشخاصی که به حد بلوغ نرسیده اند/

(دوم) اشخاص مفصله ذیل در صورتی که یکی از طرفین آنان را رد کرده باشند/

(۱) اشخاصی که بواسطه ارتکاب به جنایات محکوم به مجازات شده اند/

(۲) زوج یا زوجه مدعی خصوصی و اسلاف و اعقاب یا برادران و خواهران و سایر اقربای او تا درجه سیم/

(۳) اشخاصی که قییم یا ولی یا مباشر امور یکی از طرفین هستند یا با یکی از طرفین محاکمه دارند./

ماده ۲۴۷ – به استثنای مواردی که در مواد قبل مذکور است شهود باید قبل از دادن شهادت التزام دهند که به صحت و راستی ادای شهادت خواهند کرد./

(تنبيه) آن چه در شرایط شهادت در چهار ماده قبل مذکور است راجع به شهود تحقیقی است اما شرایط بینة شرعیه که میزان قضاوت شرعی است همان شرایطی است که در شرع مقرر است./

ماده ۲۴۸ – هر دفعه که محکمه صلح شهادت شاهد طرفی را استماع می نماید به طرف دیگر اظهار می دارد که اگر از شاهد سئوالی لازم می داند بنماید./

ماده ۲۴۹ – حاکم صلح سئوالاتی را که برای رفع اختلاف و توضیحات مسئله لازم است از طرفین و شهود آنان خواهد کرد در صورتی که متهم جواب سئوالات را ندهد محکمه صلح بدون این که متهم را به دادن جواب مجبور کند شروع به رسیدگی دلائل می نماید و دلائل طرفی را به طرف دیگر اظهار داشته جواب می خواهد./

ماده ۲۵۰ – در مواردی که ممکن است دعوی به صلح ختم شود محکمه صلح به رسیدگی دلالی که طرفین اظهار می نمایند اکتفا می کند./

ماده ۲۵۱ – تحقیقات و معاینات محلی را در حین محاکمه خود امین صلح یا حاکم صلح یا کمیسر نظمیه یا صاحب منصب ژاندارم به مأموریت از طرف محکمه صلح به عمل می آورند ولی واگذار کردن تحقیقات به عهده کمیسری نظمیه و صاحب منصبان ژاندارم یا قائم مقام آنان در صورتی جایز است که خود امین صلح یا حاکم صلح نتوانند به معاذیر موجه شخصا اقدام نمایند و نیز تأخیر تحقیقات ممکن نباشد./

ماده ۲۵۲ – هر گاه یکی از طرفین ایراد موجهی به صحت تحقیقات نظمیه بنماید محکمه صلح باید شخصاً به تحقیقات مزبوره رسیدگی کند./

ماده ۲۵۳ – معاینات و تحقیقات محلی در حضور دو نفر شاهد و اشخاصی که در امر جزایی شرکت داشته و حاضر شده اند به عمل می آید و در مورد تحقیقات در خانه کسی صاحب خانه برای حضور دعوت می شود و هر گاه مشارالیه نباشد یکی از اهل خانه که قائم مقام صاحب خانه است دعوت خواهد شد./

ماده ۲۵۴ – تحقیقات و تجسسات در منزل اشخاص به استثنای مواردی که ضرورت اقتضا کند در روز به عمل می آید./

ماده ۲۵۵ – در مواردی که حضور اهل خبره لازم باشد دعوت می شوند/

ماده ۲۵۶ – محکمه صلح مقدار ضرر و زیان و قیمت اشیایی را که موضوع ادعا است بعد از استماع دلائل طرفین و عقیده اهل خبره در صورتی که عقاید آنان لازم باشد معین می کند./

ماده ۲۵۷ – هر گاه اهل خبره در حین تحقیقات بدون عذر موجه حاضر نشوند و من به الکفایه نباشد جلب می شوند و شهود اگر حاضر نشوند جلب خواهند شد./

ماده ۲۵۸ – محکمه صلح سن متهم را فقط در صورتی می پرسد که برای تعیین مجازات لازم باشد./

ماده ۲۵۹ – در صورتی که محکمه صلح مشاهده کند که کار از صلاحیت او خارج است باید مسئله را به مدعی العموم محکمه ابتدایی ارجاع نماید./

ماده ۲۶۰ – در مواردی که حاکم صلح یا امین صلح در ترتیبات رسیدگی و سایر امور دچار اشکالی می شوند مواد این فصل را با قوانین محاکمات جزایی سایر محاکم تطبیق و رفع اشکال خودشان را می نمایند./

مبحث ششم/

در حکم/

ماده ۲۶۱ – محکمه صلح بعد از رسیدگی دلائل اظهارات و تحقیقات را در نظر گرفته تقصیر یا عدم تقصیر متهم را معین می کند و در صورت تقصیر مجازات را موافق قانون تشخیص داده حکم می دهد./

ماده ۲۶۲ – در اموری که ممکن است به صلح ختم شود قبل از صدور حکم محکمه صلح جهد وافی در اصلاح ذاتالبین به عمل می آورد و هر گاه موفق نشد حکم می دهد./

ماده ۲۶۳ – محکمه صلح در صورت عدم ثبوت تقصیر متهم را فوراً مرخص می کند و هر گاه محقق شود که ادعای مدعی

مبنی بر غرض بوده او رابه تأدیه مصارف محاکمه و خسارت طرف در صورت ادعای او و ثبوت محکوم می‌نماید/

ماده ۲۶۴ – هر گاه متهم مقصر شد علاوه بر مجازات محکوم خواهد بود به تأدیه مصارف محاکمه و به تأدیه ضرر و زیانی که طرف مطالبه و ثابت‌نموده است./

ماده ۲۶۵ – در صورتی که مقصر محکوم به جزای نقدی شده و استطاعت تأدیه آن را نداشته باشد محکمه صلح مجازات او را موافق قانون تبدیل به جزای دیگری که مطابقت داشته باشد نموده مقدار آن را معین می‌کند./

ماده ۲۶۶ – احکام محکمه صلح در مورد جزای ذیل قطعی است/

(۱) تحذیر/

(۲) توبیخ و شمانت/

(۳) جزای نقدی الی پنج تومان (در موارد عرفی)/

(۴) توقیف الی دو روز./

ماده ۲۶۷ – حکم محکمه صلحیه در تأدیه خسارت الی بیست تومان نیز قطعی است./

ماده ۲۶۸ – آلات و اشیایی را که محکمه حین تحقیقات به دست آورده است می‌تواند به صاحب آنها رد کند ولی به شرط التزام که در حین رسیدگی در محکمه ابتدایی آلات و اشیا مزبوره را در محکمه ارائه بدهند./

ماده ۲۶۹ – مضمون حکم را حاکم یا امین صلح نوشته و بعد از ختم رسیدگی علناً می‌خواند./

ماده ۲۷۰ – محکمه صلح بعد از اعلام حکم به طرفین اظهار می‌دارد که در چه موارد و در چه مدت می‌توانند حکم محکمه را استیناف نمایند و هرگاه حق استیناف را ساقط کنند حکم قطعی شده فوراً اجرا خواهد شد./

ماده ۲۷۱ – حکم بعد از اعلام باید در ظرف سه روز انشا شود و در حکم باید نکات ذیل مصرح باشد/

ا تاریخ حکم/

ب اسم و اسم پدر اشخاصی که در امر جزایی دخیل بوده‌اند/

ج دلایل مدرک حکم/

د ماهیت حکم و قوانینی که مبنای حکم است/

ه تعیین مقدار مخارج محاکمه حکم باید به امضای امین صلح برسد./

ماده ۲۷۲ – حکم محکمه در صورت مجلس یا در دفتر مخصوص ثبت می‌شود و سواد آن را محکمه در صورت تقاضای یکی از طرفین باید تا روز سوم بدهد./

مبحث هفتم/

در احکام غیابی/

ماده ۲۷۳ – هر گاه متهم در موعد مقرر حاضر نشد یا این که در موقعی که بایستی شخصاً حاضر شود وکیل فرستاد محکمه پس از رسیدگی حکم غیابی موافق اصولی که برای محکمه جنحه مقرر است خواهد داد و همچنین در باب ضرر و زیان وارد بر مدعی خصوصی نیز موافق اصول مزبوره حکم غیابی می‌دهد./

ماده ۲۷۴ – هر گاه مدعی یا شاکی بدون عذر موجه حاضر نشد و امر از اموری است که به صلح می‌توان تمام کرد محکمه رسیدگی را موقوف می‌دارد و در اموری که به صلح خاتمه‌پذیر نیست به دلایلی که مدعی در عرض حال اقامه کرده رسیدگی کرده و حکم می‌دهد و این حکم از روز قرائت آن در محکمه علنی مثل این است که به مدعی اعلام شده باشد./

ماده ۲۷۵ – سواد حکم غیابی به محکوم علیه ابلاغ می‌شود و مشار الیه در ظرف پنج روز می‌تواند به حکم مزبور اعتراض نماید./

ماده ۲۷۶ – سایر ترتیبات حکم غیابی و رسیدگی بعد از اعتراض به طوری است که برای محاکم جنحه مقرر است./

مبحث هشتم/

در صورت مجلسی که محاکم صلح ترتیب می‌دهند/

ماده ۲۷۷ – محصل رسیدگی خود را محاکم صلح در صورت مجلس یا در دفتر مخصوص قید می‌کنند و آن از قرار ذیل است/

(۱) تاریخ شروع به کار/

(۲) اسم متداعیین و وکلای آنان/

(۳) مفاد شکایت/

(۴) احضار طرفین و شهود و عدم حضور و جلب آنان و حکم جلب متهم و اقداماتی که برای جلوگیری از فرار شده است/

(۵) دلایل طرفین و شهادت شهود و گرفتن التزام از آنان و تحقیقات و معاینات محلی و عقیده اهل خبره/

(۶) علنی یا غیر علنی بودن محاکمه/

(۷) صلح طرفین و یا رجوع کار به مدعی العموم/

(۸) مفاد حکم و تاریخ اعلام آن/

(۹) شکایت استینافی یا اعتراض و فرستادن دفتر کار به محکمه ابتدایی و گذشتن طرف یا طرفین از حق استیناف/

(۱۰) اقدامات برای اجرای حکم./

ماده ۲۷۸ - شهادت شهود برای شهود و صلحنامه برای طرفین قرائت و پس از تصحیح هر کار تصحیح لازم باشد در مورد اولی به امضای شهود و در مورد ثانوی به امضای متداعیین می‌رسد صورت مجلس معاینات و تحقیقات محلی برای طرفین و شهود و اهل خبره قرائت شده به امضای آنان و اشخاصی که اجرای تحقیقات مزبوره را نموده‌اند می‌رسد و اگر نتوانند یا نخواهند امضا نمایند مراتب در صورت مجلس قید می‌شود./

مبحث نهم/

در شکایت از احکام غیر قطعی محاکم صلحیه/

ماده ۲۷۹ - طرفین می‌توانند از احکام غیر قطعی محاکم صلحیه در کلیه مواردی که به آنان راجع است شکایت نمایند ولی هر گاه ادعای جزایی از طرف کمیسر پلیس یا یکی از ادارات دولتی اقامه شده مدعی خصوصی فقط از حیث ضرر و زیان خود می‌تواند استیناف نماید./

ماده ۲۸۰ - کمیسر پلیس یا کدخدا نیز می‌تواند از احکام مزبوره شکایت نماید و شکایت‌نامه خود را باید نزد مدعی‌العموم محکمه ابتدایی بفرستد/

ماده ۲۸۱ - مدعی‌العموم مختار است که بعد از تحقیق شکایت را به محکمه صلح فرستاده توضیحات بخواهد یا از تعقیب شکایت امتناع نموده مراتب را به امین صلح اطلاع دهد./

ماده ۲۸۲ - مدت شکایت استینافی از روز اعلام حکم ده روز است و برای هر چهار فرسخ مسافت یک روز علاوه می‌شود./

ماده ۲۸۳ - شکایت کتبی است یا شفاهی و سواد آن به طرف ابلاغ می‌شود/

ماده ۲۸۴ - محکمه صلح پس از رسیدن عرضحال استینافی قبض رسید داده و در ظرف سه روز آن را با متعلقات کار به محکمه جنحه می‌فرستد و در صورتی که مدعی‌العموم محکمه ابتدایی استیناف داده باشد نزد مدعی‌العموم ارسال می‌دارد./

ماده ۲۸۵ - در موارد ذیل از اقدامات و قرارهای محکمه صلحیه می‌توان قبل از صدور حکم شکایت نمود/

(۱) از تعطیل و تعویق رسیدگی/

(۲) از عدم قبول عرضحال و اعتراض بر حکم غیابی و عرضحال استینافی/

(۳) قرار محکمه در باب توقیف متهم شکایت‌های مذکوره از قرارهای محکمه باید در ظرف پنج روز از روز اعلام قرار محکمه به عمل آید شکایت از تعطیل و تعویق موعد مقرر ندارد و همیشه پذیرفته است./

ماده ۲۸۶ - استیناف از قرار محکمه صلح در باب توقیف متهم اجرای آن را به تأخیر نمی‌اندازد مگر این که متهم وجه‌الضمانه و دیعه بگذارد یا کفیل بدهد/

ماده ۲۸۷ - استیناف حکم محکمه صلح موجب تعویق اجرای آن است ولی اگر محکمه صلح قبل از صدور حکم قرار در باب توقیف متهم داده باشد موافق ماده قبل رفتار می‌شود./

ماده ۲۸۸ - هر گاه به موجب حکم محکمه صلحیه متهمی که در توقیف است برائت حاصل نماید استیناف آن حکم اجرای آن را به تعویق نمی‌اندازد و متهم باید رها شود./

ماده ۲۸۹ - شکایت‌های مذکوره در ماده قبل در یک نسخه به محکمه صلح و در نسخه دیگر به محکمه جنحه داده می‌شود و امین صلح مکلف است که اوراق و منضمات کار را در ظرف بیست و چهار ساعت بعد از وصول شکایت به محکمه جنحه بفرستد./

مبحث دهم/

در رسیدگی استینافی در محکمه جنحه/

ماده ۲۹۰ - رسیدگی استینافی به ترتیبی به عمل می‌آید که برای رسیدگی محاکم جنحه مقرر است طرفین بر حسب اصول احضار می‌شوند ولی اگر حاضر نشدند رسیدگی به تأخیر نمی‌افتد مگر این که محکمه حضور آنان را لازم بدانند./

ماده ۲۹۱ - رسیدگی استینافی به قرائت حکم محکمه صلح و عرضحال استینافی شروع می‌شود و بعد طرفین توضیحات خود را می‌دهند و هر گاه لازم شود استماع شهادت شهود و همچنین در صورت لزوم تحقیقات و معاینات تجدید می‌شود و اگر طرفین یا طرفی جدیدی دارند آقامه می‌نمایند و توضیحات لازم را برای روشن کردن مسئله رییس محکمه و مدعی‌العموم می‌خواهند./

ماده ۲۹۲ - هر گاه امر از اموری است که می‌توان به اصلاح ذات‌البین ختم نمود محکمه قبل از حکم تکلیف صلح می‌نماید./

ماده ۲۹۳ - مدعی‌العموم قبل از صدور حکم به اهمیت دلایل طرفین و همچنین به قوانین اشاره کرده عقیده خود را اظهار می‌دارد و پس از آن بازرییس محکمه یکدفعه به متهم یا وکیل او اجازه نطق داده محاکمه را ختم می‌کند/

ماده ۲۹۴ - امین صلح را می‌توان برای توضیحات به محکمه جنحه خواست ولی پس از دادن توضیحات باید از محکمه خارج شود./

ماده ۲۹۵ - محکمه جنحه در حکم خود حکم محکمه صلح را تأیید و تصدیق می‌نماید و یا حکم جدیدی می‌دهد ولی مجازات را نمی‌تواند شدیدتر معین کند مگر به تقاضای مدعی‌العمومی و آن هم بعد از اقامه دلایل./

ماده ۲۹۶ - صدور حکم و اعلان آن و سایر ترتیبات راجعه به حکم به طوری است که برای محاکم جنحه مقرر است و حکمی که پس از رسیدگی استینافی صادر می‌شود قطعی است./

مبحث یازدهم/

در تمیز/

ماده ۲۹۷ - تمیز احکام قطعی محاکم جنحه که استینافاً صادر شده در مواردی و به ترتیبی به عمل می‌آید که در باب پنجم این کتاب مقرر است بارعایت مواد آتی/

ماده ۲۹۸ - احکام قطعی محاکم صلحیه غیر قابل تمیز است هر گاه حکم قطعی محاکم جنحه استینافاً صادر شده راجع به توقیف متهم باشد تمیز حکم مذکور اجرای آن را به تعویض می‌اندازد به شرط ودیعه گذاشتن وجه‌الضمانه یا دادن کفیل ولی اگر متهمی که در توقیف است به حکم محکمه جنحه برائت حاصل کند تمیز آن حکم اجرای آن را به تعویق نمی‌اندازد و متهم باید رها شود./

ماده ۲۹۹ - اجرای حکم در مورد جزای نقدی یا تأدیه ضرر و زیان مدعی خصوصی به تعویق نمی‌افتد مگر این که وجه‌الضمانه از محکوم گرفته‌شده در صندوق محکمه یا جای مطمئن دیگری تا صدور حکم تمیز و دیعه گذاشته شود./

مبحث دوازدهم/

در اجرای احکام محاکم صلحیه/

ماده ۳۰۰ - در موارد ذیل احکام محاکم صلحیه قطعی می‌شود/

(۱) هر گاه طرفین اعلام نمایند که حق استیناف خود را ساقط می‌نمایند/

(۲) هر گاه حکم محکمه در موعد مقرر استیناف نشود/

(۳) هر گاه به حکم غیابی در موعد مقرر نه اعتراض شود و نه از حکم مزبور در مواردی که قابل استیناف بوده استدعای استیناف شود./

ماده ۳۰۱ - احکام قطعی محاکم صلحیه توسط صاحب‌منصبان اجرا یا نظمیة اجرا می‌شود به طوری که قانون معین می‌کند./

ماده ۳۰۲ - هر گاه حضور مقصر محکوم در حین اجرا لازم شود خود او را شخصاً احضار می‌کنند و اگر حاضر نشده جلب می‌کنند و اگر محکوم در حوزة محکمه صلحیه دیگری باشد اجرای حکم به توسط آن محکمه به عمل می‌آید/

ماده ۳۰۳ - خسارت محکوم‌له را می‌توان از محکوم‌علیه به اقساط گرفت (در صورت عدم استطاعت تأدیه تمام آن) در حین تأدیه قبض رسید به محکوم‌علیه داده و مقدار وجه در دفتر قید می‌شود در صورتی که در موعد مقرر اقساط را به محکوم‌علیه نرسانید اقدام فوری برای اجرای حکم به عمل می‌آید./

ماده ۳۰۴ - محکومین به توقیف را باید در توقیفگاه نگاهداشت./

فصل پنجم/

در رسیدگی محکمه جنحه/

مبحث اول/

در صلاحیت محکمه جنحه و کیفیت شروع به محاکمه/

ماده ۳۰۵ - محکمه جنحه در یکی از مواد ذیل اقدام به رسیدگی جرمی که از درجه جنحه‌های بزرگ است می‌نماید/

(۱) به موجب تقاضانامه مدعی‌العموم ابتدایی/

(۲) بر حسب عرضحال مدعی خصوصی/

(۳) به موجب صدور حکم محکمه استیناف در تعقیب امر جزایی./

ماده ۳۰۶ - در جنایات لازم است قبل از محاکمه تحقیقات مقدماتی و استنطاقات به عمل بیاید ولی در موارد جنحه هر گاه مدعی‌العموم بتواند بیان ادعای خود را بدون تحقیقات و استنطاقات مستنطق به محکمه بدهد می‌تواند همین که امری را از صلاحیت محکمه جنحه دید اقدام نماید تا در محکمه مذکوره رسیدگی شود./

ماده ۳۰۷ - در اموری که به شکایت مدعی خصوصی تعقیب و محاکمه می‌شود هر گاه محکمه تحقیقات مستنطق را نظر به اوضاع و احوال کار لازم‌نداند می‌تواند بدون تحقیقات اولیه و استنطاقات شروع به محاکمه کند./

ماده ۳۰۸ - در مواردی که مدعی‌العموم بیان ادعا به محکمه داده است سواد آن و صورت اشخاصی که به محکمه احضار می‌شوند به متهم ابلاغ و اعلام می‌شود که هر گاه وکیل انتخاب کرده است به محکمه معرفی نماید و همچنین اگر اشخاص دیگری غیر از کسانی که در صورت قید شده باید به محکمه احضار شوند معین نماید./

ماده ۳۰۹ - متهم می‌تواند از رییس محکمه خواهش کند وکیل برای او معین نماید وکلا از اشخاصی معین می‌شوند که موافق قانون صلاحیت وکالت را دارند در این صورت اقدامات وکیل مجانی خواهد بود./

ماده ۳۱۰ - متهم می‌تواند وکیل خودش را تغییر بدهد یا از رییس تعیین وکیل جدید را تقاضا کند ولی این تقاضا بیش از یک نوبت پذیرفته نمی‌شود./

ماده ۳۱۱ - هر گاه کسی در امر جنحه از کسی شکایت داشته باشد باید عریضه به محکمه بدهد و آن عریضه باید شامل اسم و اسم پدر و محل اقامت خود و متهم باشد./

ماده ۳۱۲ - بعد از تقدیم عرض حال محکمه طرف را احضار می‌نماید و فاصله بین عریضه و رسیدگی لااقل باید سه روز باشد هر گاه متهم در شهری که مقر محکمه جنحه است نباشد برای هر چهار فرسخ مسافت یک روز اضافه می‌شود در صورتی که متهم عذر موجهی برای عدم حضور داشته باشد مهلت کافی داده می‌شود./

ماده ۳۱۳ - در صورتی که مجازات متهم موافق قانون جزای نقدی باشد متهم می‌تواند وکیل به محکمه بفرستد./

ماده ۳۱۴ - هر گاه جزای متهم موافق قانون غیر نقدی باشد در صورتی که محکمه حضور متهم را لازم بداند باید متهم شخصاً در محکمه حاضر شود اگر چه وکیل داشته باشد./

ماده ۳۱۵ - هر گاه متهم پس از احضار بدون عذر موجه نه شخصاً حاضر شد و نه وکیل فرستاد یا در موردی که باید شخصاً در محکمه حاضر شود وکیل فرستاد در صورتی که محکمه حضور او را لازم بداند حکم جلب او را خواهد داد و تأدیه مصارف محاکمه از بابت تأخیر بر عهده متهم است و اگر حضور متهم را لازم نداند یعنی امر از اموری باشد که محکمه بتواند در غیاب متهم رسیدگی نماید رسیدگی کرده حکم غیابی می‌دهد./

ماده ۳۱۶ - در مواردی که محکمه حکم غیابی می‌دهد باید اظهارات و توضیحاتی را که متهم در حین تحقیقات مقدماتی داده است در نظر بگیرد./

ماده ۳۱۷ - مدت اعتراض بر حکم غیابی پنج روز است به علاوه یک روز برای هر چهار فرسخ اقامتگاه متهم از محکمه./

ماده ۳۱۸ - هر گاه متهم در موعد مقرر حاضر نشد ولی قبل از صدور حکم حاضر شد محکمه دلائل او را استماع نموده و حکمی که پس از آن صادر می‌شود غیابی محسوب نمی‌شود./

ماده ۳۱۹ - هر گاه پس از صدور حکم غیابی شخص متهم حاضر شده اعتراض و درخواست تجدید رسیدگی بنماید باید خسارت وارده بر طرف را که مطالبه و ثابت شده از عهده برآید./

ماده ۳۲۰ - هر گاه محکوم علیه پس از صدور حکم حاضر شده و اعتراض بر حکم نماید در صورتی که اعتراض او بر وفق صحت باشد آن حکم از درجه اعتبار ساقط و حکم مجدد صادر می شود و هر گاه اعتراض او مقرون به صحت نباشد حکم سابق در اعتبار خود باقی می ماند ولیکن محکوم علیه در موعد مقرر حق استیناف خواهد داشت./

ماده ۳۲۱ - هر گاه مدعی خصوصی در موعد مقرر حاضر نشد و امر از اموری است که مدعی العموم در آن باب اقامه دعوی نکرده رسیدگی به کار موقوف می شود مگر این که مدعی العموم نظر به مصالح عامه تعقیب را لازم بداند ولی اگر رسیدگی موقوف شد باز مدعی خصوصی می تواند در ظرف سه سال عرض حال جدیدی داده اقامه دعوی نماید./

ماده ۳۲۲ - هر گاه متهم اعتراض بر حکم غیابی نماید و در رسیدگی مجدد مدعی خصوصی بدون عذر موجه حاضر نشود محکمه رسیدگی را به تأخیر نینداخته اظهارات و توضیحاتی را که مدعی خصوصی در حین محاکمه غیابی سابق داده است در نظر می گیرد و حکم می دهد./

ماده ۳۲۳ - ثبوت جنحه و خلاف بواسطه اظهارات کتبی ضابطین عدلیه و یا راپورت اشخاصی که برای تحقیق این امر مقرر شده اند و یا به واسطه اظهار مطلعین از واقعه به ضمیمه تحقیقات محکمه حاصل می شود./

ماده ۳۲۴ - هر گاه اشخاصی که برای تحقیق امور جرایم مقرر شده اند اعلام یا راپورتی در موارد جنحه به محکمه بدهند اظهارات و اطلاعات آنان معتبر است مگر آن که خلاف آن ثابت شود./

ماده ۳۲۵ - شهود تحقیق و اشخاصی که در محکمه اظهار اطلاع می نمایند بدو باید متعهد شوند که چیزی بر خلاف واقع نگویند و محکمه از اسم و شغل آنان تحقیقات نموده منشی محکمه آن اطلاعات را ثبت می نماید پس از آن شروع به عنوان مطلب می کنند شرایط شهود و ترتیب استماع شهادت همان است که از ماده (۲۴۴) تا ماده (۲۴۹) مذکور است./

ماده ۳۲۶ - متهم یا وکیل او حق دارد بعد از آن که حاضر شد به دفترخانه محکمه رفته از دوسیه اظهارات مدعی خصوصی و عمومی نسبت به خود اطلاعات لازم را تحصیل نماید./

ماده ۳۲۷ - رسیدگی و تحقیقات محکمه عموماً باید علنی باشد به استثنای موارد ذیل/

(۱) در جرائم راجعه به عصمت/

(۲) در موارد اعمال شنیعه و جرائمی که بر ضد اخلاق حسنه است/

(۳) در اقداماتی که بر ضد احساسات مذهبی می شود/

(۴) در مواردی که علنی بودن محاکمه محل امنیت و انتظام مملکتی باشد محکمه قرار محاکمه سری را بعد از اظهار عقیده مدعی العموم می دهد./

ماده ۳۲۸ - حضور اطفال و شاگردان مکاتب ابتدایی و مدارس متوسطه در محاکمه جزایی ممنوع است و عده تماشاچی در محکمه باید به اندازه وسعت مکان باشد و ازدحام و جمعیت به کلی ممنوع است./

مبحث دوم/

در محاکمه و حکم/

ماده ۳۲۹ - تحقیقات و رسیدگی محکمه بدین طریق به عمل می آید بدو تقاضانامه مدعی العموم که در ذیل دوسیه تحقیقات و استنطاقات مستنطق درج شده یا مضمون احضارنامه که بواسطه تقاضانامه مدعی العموم به متهم فرستاده شده قرائت و اگر اقامه دعوی از طرف مدعی خصوصی شده عرض حال او خوانده می شود بعد رییس از متهم می پرسد که اقرار به جرم خود دارد یا نه در صورت اقرار هر گاه اقرار متهم صریح و موجب شک و شبهه یا تردیدی نباشد محکمه به طوری که در ماده بعد مذکور است اقدام می کند و در صورت انکار یا وجود تردید در اقرار شروع به تحقیقات نموده شهود اگر باشند شهادت خود را بر حسب اصول می دهند بعد به آلات و ادوات تحقیق رسیدگی می شود./

ماده ۳۳۰ - بعد از ختم تحقیقات هر گاه مدعی العموم اقامه دعوی کرده باشد رییس به مدعی العموم اجازه می دهد که ادعای خود را نموده اظهار عقیده نماید بعد متهم یا وکیلش توضیحات لازم داده امضا می نماید بعد از آن که مذاکرات طرفین به قدر کفایت به عمل آمد رییس قبل از ختم مذاکرات باز یکدفعه به متهم اجازه می دهد که هر گاه اظهاری دارد بنماید و پس از آن هیات محکمه برای دادن رأی به اتاق مشاوره می روند./

ماده ۳۳۱ - در صورتی که اقامه دعوی را مدعی خصوصی نموده بعد از افتتاح جلسه عرض حال مدعی خصوصی قرائت می شود و بعد از آن که سئوالات لازم از متهم شد به استماع شهود و سایر تحقیقات اقدام و پس از ختم تحقیقات اول مدعی خصوصی اظهارات خود را می کند بعد مدعی العموم ادعای خود را نموده اظهار عقیده می نماید بعد متهم جوابهای لازم یا توضیحات را می دهد پس از آن که مذاکرات طرفین به قدر کفایت به عمل آمد رییس باز یکدفعه اجازه نطق به متهم داده مذاکرات را ختم می نماید./

ماده ۳۳۲ - جهات رد از قرار ذیل است/

(۱) وجود قرابت نسبی یا سببی بین حاکم یا یکی از طرفین یا اشخاصی که در امر جزایی دخیل اند/

(ب) در صورتی که حاکم ولی یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور حاکم باشد/

(ج) در صورتی که حاکم یا عیال یا اولاد او وارث یکی از اشخاصی که در امر جزایی دخیل اند بوده باشد/

(د) در صورتی که حاکم در همان امر جزایی مستنطق یا مدعی العموم و یا جزو شهود یکی از طرفین باشد./

ماده ۳۳۳ - رد حکام در صورت وجود جهتی یا جهاتی که در ماده قبل مذکور است باید لااقل یک روز قبل از افتتاح جلسه رسیدگی به عمل آید مگر این که جهت رد بعد از انقضای مدت مزبور حادث یا کشف شده باشد در موارد مذکوره باید خود حکام هم از محاکمه استعفا نمایند./

ماده ۳۳۴ - اظهار رد به محکمه داده می شود و محکمه توضیحات لازم را از حاکم مردود خواسته بدون حضور او قرار لازم را می دهد این قرار محکمه قبل از صدور حکم قابل شکایت نیست./

ماده ۳۳۵ - مدعی العموم نیز باید در مورد رد استعفا نماید و اگر استعفا نکرد متهم یا مدعی خصوصی می توانند به مدعی العموم محکمه استیناف شکایت نمایند/

ماده ۳۳۶ - در صورتی که بعد از رسیدگی متهم از جرمی که به او نسبت داده بودند برائت حاصل کرد محکمه او را مرخص می کند./

ماده ۳۳۷ - هر گاه جرم از درجه خلاف بوده و مدعی عمومی یا مدعی خصوصی ارجاع امر را به محکمه خلاف درخواست ننموده‌اند محکمه‌جنحه رسیدگی کرده حکم می‌دهد./

ماده ۳۳۸ - احکام محاکم جنحه باید در ظرف بیست و چهار ساعت بعد از صدور به امضای رییس و اعضای محکمه برسد و ماهی دو مرتبه اصل احکام را مدعی عمومی مطالبه کرده ملاحظه می‌کند منشی محکمه نمی‌تواند قبل از امضای حکم سوادى از آن به کسی دهد و الا از شغل خود معزول شده و دیگر به خدمت دولتی قبول نمی‌شود./

ماده ۳۳۹ - در صورتی که جرم متهم به درجه جنایت باشد محکمه جنحه از رسیدگی امتناع می‌نماید./

مبحث سوم/

در استیناف احکام محاکم جنحه/

ماده ۳۴۰ - استیناف موجب توقیف اجرای حکم می‌شود ولی اگر محکمه جنحه قبل از صدور حکم قرارى در توقیف متهم بدهد و متهم از آن قرار استیناف بخواهد توقیف اجرای آن منوط به دادن وجه‌الضمانه یا کفیل است./

ماده ۳۴۱ - اگر استینافی که از حکم محکمه جنحه خواسته شده فقط راجع به مقدار ضرر و زیان باشد استیناف حکم باعث توقیف مجازات نمی‌شود./

ماده ۳۴۲ - هر گاه مستأنف به واسطه یکی قرارهای استیناف‌پذیر استیناف بخواهد سایر تحقیقات محکمه جنحه به جای خود باقی می‌ماند و استیناف قرار محکمه باعث تعطیل جریان محاکمه نخواهد شد یعنی محکمه جنحه منتظر حکم محکمه استیناف نشده محاکمه را امتداد می‌دهد./

ماده ۳۴۳ - قرارهایی که محکمه جنحه در ضمن محاکمه می‌دهد در موارد ذیل قبل از صدور حکم محکمه قابل استیناف است/

(۱) قرارهای راجعه به رد یا قبول عرایض و اعتراض بر حکم غیابی/

(۲) قرارهای محکمه در باب جلوگیری متهم از فرار یا پنهان شدن یعنی خواستن تأمینات لازمه (از قبیل توقیف یا وجه‌الضمانه یا کفیل)/

(۳) قرارهای محکمه در تأمین مدعی به دعوی خصوصی (دعوی ضرر و زیان)/

ماده ۳۴۴ - هر گاه محکمه جنحه نسبت به متهمی که توقیف است حکم بر بی‌تقصیری صادر نماید این حکم فوراً اجرا می‌شود ولو این که مدعی عمومی یا مدعی خصوصی استیناف بخواهد./

ماده ۳۴۵ - محکمه استیناف باید به شرح استنطاقات و تحقیقات اولیه تماماً رسیدگی نموده بعد از آن حکم بدهد و هر گاه مستأنف از قرار مخصوص استیناف خواسته محکمه فقط در همان موضوع رسیدگی می‌نماید کلیه محکمه استیناف خارج از آنچه محکمه جنحه بدایتاً رسیدگی نموده نمی‌تواند مداخله نماید./

ماده ۳۴۶ - متداعیین در موقع استیناف از موضوع مطلب استینافیه نباید خارج شده مطلب دیگری به میان آوردند ولی حق دارند دلالی که راجع به موضوع محاکمه است اظهار دارند اعم از آن که آن دلائل اسباب تخفیف یا اشتداد مجازات شود./

ماده ۳۴۷ - در صورتی که محکوم علیه استیناف خواسته باشد محکمه استیناف پس از رسیدگی می‌تواند نظر به اوضاع و احوال و دلائل امر در مجازاتی که محکمه جنحه معین کرده تخفیف بدهد یا به کلی آن حکم را نسخ کند./

ماده ۳۴۸ - تشدید مجازات یا تعیین مجازات برای متهمی که در محکمه جنحه برائت حاصل کرده است فقط در صورتی در محکمه استیناف جایز است که استیناف را مدعی‌العموم خواسته باشد./

ماده ۳۴۹ - پس از آن که مستأنف عریضه استیناف به دفتر خانه محکمه جنحه تقدیم نمود مدعی عمومی محکمه مزبوره باید دوسیه آن محاکمه را به ضمیمه نتیجه تحقیقات خود در ظرف بیست و چهار ساعت نزد مدعی‌العموم استیناف بفرستد./

ماده ۳۵۰ - هر گاه مستأنف در حال توقیف باشد بعد از تقدیم عریضه استیناف و ثبت در دفتر باید مدعی‌العموم در ظرف بیست و چهار ساعت او را به محلی که به محکمه نزدیکتر است تحویل نماید که در مدت محاکمه آنجا توقیف باشد./

ماده ۳۵۱ - اشخاص مفصله از احکام غیر قطعی محاکم جنحه حق استیناف دارند/

(۱) محکوم علیه/

(۲) مدعی‌العمومی محکمه ابتدایی در مواردی که حکم بر خلاف ادعاینامه و عقیده او صادر شده و مشارالیه تسلیم بر آن حکم ننموده/

(۳) مدعی خصوصی از حیث ضرر و زیان/

(۴) اشخاصی که محکوم به تأدیه ضرر و زیان مدعی خصوصی شده‌اند مدت استیناف ده روز است و این مدت از تاریخ اعلام حکم شروع می‌شود./

ماده ۳۵۲ - روز رسیدگی بر حسب اصول به طرفین اعلام می‌شود طرفین می‌توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل به فرستند ولی اگر حاضر نشدند وکیل هم نفرستادند رسیدگی محکمه استیناف به تأخیر نمی‌افتد مگر در مواردی که محکمه استیناف حضور طرفین و اشخاصی را که در امر جزایی دخیل اند لازم بداند./

ماده ۳۵۳ - کیفیت محاکمه از قرار ذیل است/

۱ قرائت صورت واقعه که به توسط یکی از اعضا محکمه نوشته شده است/

۲ قرائت صورت استنطاقات/

۳ کسب اطلاع از شهود و مطلعین اگر لازم باشد/

۴ سئوالات و تحقیقات لازمه از طرفین و استماع مدافعه متداعیین/

۵ اظهار عقیده مدعی‌العموم و اعتراض متهم - ترتیبات رسیدگی و صدور حکم موافق اصولی است که برای محاکم جنحه مقرر است./

ماده ۳۵۴ - هر گاه طرف مستأنف لایحه توضیحات و اعتراضات خود را تا روز رسیدگی تقدیم نکرده باشد محاکمه استینافی

به تأخیر نمی‌افتد./

ماده ۳۵۵ – احکام غیابی محکمه استیناف قابل اعتراض است و اعتراض در همان مدت و به همان ترتیب به عمل می‌آید که برای احکام غیابی محاکم جنحه مقرر است/

ماده ۳۵۶ – در صورتی که بعد از محاکمه اتهامی که به شخص متهم وارد شده از قبیل هیچ یک از خلاف و جنحه و جنایت نباشد و به موجب قانون بتوان او را مجرم شمرد محکمه شخص متهم را آزاد می‌نماید./

ماده ۳۵۷ – هر گاه در محکمه استیناف معلوم شود جرمی که به متهم نسبت داده شده از قبیل خلاف بوده و مدعی‌العموم و مدعی خصوصی هیچ یک رجوع آن را به محکمه خلاف خواستار نشده‌اند محکمه استیناف رسیدگی کرده حکم می‌دهد و تخلف از قانون را به محکمه جنحه اخطار می‌نماید./

ماده ۳۵۸ – در صورتی که در محکمه استیناف معلوم شود که جرم از قبیل خلاف و جنحه نبوده بلکه جنایت است محکمه متهم را نزد مستنطق می‌فرستد که تحقیقات لازم به عمل آورد و در موارد لازم موافق قانون حکم توقیف متهم را می‌دهد./

ماده ۳۵۹ – در صورتی که معین شود که حکم بر خلاف قوانین محاکمات صادر شده و این تخلف به اندازه مهم است که در حکم محکمه مؤثر بوده و آن را از اعتبار حکم قانونی می‌اندازد محکمه استیناف حکم را باطل کرده و اساساً تجدید رسیدگی می‌نماید./

ماده ۳۶۰ – محکوم‌علیه و مدعی عمومی می‌توانند از حکم محکمه استیناف تمیز بخواهند مدعی خصوصی نیز این حق را نسبت به ضرر و زیان خود دارد./

فصل ششم/

در محاکم جنایی/

مبحث اول/

در تشکیل محاکم جنایی/

ماده ۳۶۱ – محکمه جنایت از اعضای محکمه استیناف تشکیل می‌شود و در جایی که محکمه استیناف نباشد و به حکم لزوم تشکیل محکمه جنایت لازم شود محکمه مزبوره از اعضای محکمه ابتدایی تشکیل می‌شود./

تبصره – وزارت عدلیه صورت چنین محلها را معین و اعلان خواهد کرد/

ماده ۳۶۲ – اگر محکمه استیناف دارای بیش از یک شعبه نباشد همان شعبه به امور جنایی رسیدگی خواهد کرد برای این که رأی محکمه جنایی قانونی حساب شود عده اعضا آن نباید کمتر از پنج نفر باشد لهذا در صورتی که محکمه جنایی در محکمه ابتدایی تشکیل می‌شود باید عده مزبوره از اعضا اتفاقی دیگر یا از امنای صلح محل تکمیل شود./

ماده ۳۶۳ – وظایف مدعی‌العمومی محکمه جنایت در محلهایی که محکمه استیناف برقرار است به عهده مدعی‌العموم محکمه استیناف و در صورت غیبت او به عهده یکی از وکلا عمومی محکمه مزبوره که بر حسب اقدمیت نایب مناب مدعی‌العموم است می‌باشد منشی محکمه جنایت نیز دفتردار محکمه استیناف است و در صورت غیبت او انجام وظایف به عهده یکی از معاونی او بر حسب اقدمیت خواهد بود در صورتی که محکمه جنایی در محکمه ابتدایی تشکیل شود مدعی‌العمومی و دفتردار محکمه مذکوره وظایف خود را در آن محکمه نیز انجام می‌دهند./

ماده ۳۶۴ – جلسات محکمه جنایت در هر سال برای دوره‌های معین مقرر است و در صورت احتیاج به طور فوق‌العاده نیز تشکیل می‌شود وزارت عدلیه دوره‌های جلسات عادی محکمه جنایت و مدت دوره‌های مزبوره را معین و به محاکم جنایی اعلام خواهد کرد./

ماده ۳۶۵ – تعیین روز افتتاح با رییس محکمه است و همین که محکمه جنایت افتتاح شد باید تمام جنایاتی که قبل از افتتاح واقع شده به آن محکمه ارجاع شود و پس از اتمام امور مزبوره محکمه جنایت تعطیل می‌شود./

ماده ۳۶۶ – احکامی که از محکمه جنایت صادر می‌شود فقط قابل تمیز است/

مبحث دوم/

در مقدمات محاکمه جنایی/

ماده ۳۶۷ – رییس محکمه جنایت باید به متهم اخطار نماید که می‌تواند یک نفر وکیل مدافع برای خود انتخاب کند و در صورتی که متهم بخواهد وکیل معین کند باید وکیل خود را یک هفته قبل از جلسه محاکمه به محکمه معرفی نماید./

ماده ۳۶۸ – هر گاه خود متهم نتواند وکیل انتخاب نماید محکمه به اجازه او یک نفر وکیل برای او انتخاب می‌نماید سلب حق تعیین وکیل مدافع از متهم باعث بطلان حکم است./

ماده ۳۶۹ – اخطار مذکور ماده قبل باید کتبی باشد و ذیل آن را رییس و منشی محکمه و خود متهم امضا می‌نمایند و در صورتی که متهم استنکاف از امضا نماید باید در ذیل آن ورقه استنکاف او را تصریح نمایند و منشی محکمه امضا نماید./

ماده ۳۷۰ – در صورتی که بر حسب ماده قبل اعلام لازم را به شخص متهم ننمایند سکوت او حق اعتراض او را که ممکن است باعث بطلان حکم شود ساقط نمی‌کند و متهم حق دارد که بعد از مدور حکم قطعی نیز اعتراضات خود را در این باب بنماید./

ماده ۳۷۱ – متهم یا مدعی‌العموم می‌توانند نسبت به قرار محکمه استیناف که رسیدگی امری را راجع به محکمه جنایت کرده در موارد ثلاثه ذیل قبل از افتتاح جلسه محاکمه اعتراض نموده نقل محاکمه را از محکمه به محکمه دیگر بخواهند موارد مزبوره از موارد بطلان حکم است/

اولاً در وقتی که محکمه صلاحیت رسیدگی امر را نداشته باشد/

ثانیاً در موردی که امر موافق قانون جنایت نباشد/

ثالثاً در وقتی که محکمه طوری تشکیل شده که قانونی محسوب نمی‌شود./

ماده ۳۷۲ – اظهارات مزبوره در ماده قبل باید کتبی باشد و به دفتر محکمه داده شود و دفتردار باید فوراً پس از ثبت اظهارات مزبوره را به مدعی‌العمومی محکمه استیناف داده و مدعی‌العموم مذکور باید به مدعی‌العموم دیوان تمیز ابلاغ و محکمه مزبوره فوراً بدون این که منتظر نوبت شود رسیدگی کرده حکم دهد./

ماده ۳۷۳ - خواهش ابطال که راجع به موارد ثلاثه ماده ۳۷۱ است محاکمه را تا صدور حکم دیوان تمیز به تأخیر می‌اندازد ولی هر گاه استدعای ابطال بعد از افتتاح جلسه محاکمه یا در حین محاکمه به عمل آید استدعای مزبور باعث توقیف محاکمه نمی‌شود و محکمه جنایت حکم قطعی را پس از صدور به دیوان تمیز می‌فرستد./

ماده ۳۷۴ - نسبت به اعتراضاتی که بعد از انقضای مدت قانونی یا در حین محاکمه به عمل آمده راجع به این که عقیده مدعی‌العموم در حین محاکمه‌استماع یا این که موافق ماده ۳۶۷ عمل نشده نیز موافق ماده قبل رفتار می‌شود./

ماده ۳۷۵ - هر گاه مدعی‌العموم محکمه استیناف یا متهم یا مدعی خصوصی به رییس محکمه جنایت اظهار دارند که غیر از شهود سابقه که اطلاعات خود را نزد مستنطق اظهار داشته‌اند کسان دیگر می‌باشند که از اصل واقعه اطلاع دارند و اطلاعات آنان در محکمه جنایت لازم باشد در این صورت رییس محکمه می‌تواند آنان را برای ادای شهادت احضار نماید./

ماده ۳۷۶ - هر گاه یکی از شهود از حضور در محکمه استنکاف یا مسامحه نماید باید جلب شود./

ماده ۳۷۷ - وکیل متهم می‌تواند سواد دوسیه را که راجع به امر متهم است از محکمه بخواهد ولیکن مخارجی که تعلق می‌گیرد بر عهده خود اومی‌باشد و متهم نیز می‌تواند صورت اسامی مطلعین را از محکمه مجاناً بخواهد و رییس محکمه و مدعی‌العمومی محکمه استیناف مکلفند که در اجرا این ماده کمال اهتمام را بنمایند./

مبحث سوم/

در تحقیقات و کیفیت محاکمه/

ماده ۳۷۸ - شخص متهم آرا داده در معیت مستحفظین که مواظب عدم فرار او می‌باشند در محکمه حضور می‌یابد و رییس تحقیق از اسم و خانواده و سن و شغل و محل اقامت و مولد متهم بنماید./

ماده ۳۷۹ - رییس محکمه وکیل متهم را خطاب کرده اخطار می‌کند که مشارالیه نباید چیزی بر خلاف وجدان و قوانین بگوید و باید در نطق خود رعایت ادب و مسالمت و ملایمت را بنماید./

ماده ۳۸۰ - رییس محکمه متهم را مخاطب داشته اظهار می‌دارد که از این به بعد باید کمال مواظبت را در آن چه ذکر می‌شود بنماید پس از آن خطاب به کاتب محکمه نموده اظهار می‌دارد که تقاضانامه مدعی‌العموم را قرائت کرده و کاتب محکمه باید فوراً امر رییس را مجری دارد./

ماده ۳۸۱ - هر گاه اقامه دعوی را مدعی‌العموم کرده باشد رییس محکمه بعد از قرائت تقاضانامه مدعی‌العموم که در ذیل تحقیقات مستنطق در جلب به محاکمه مندرج است علناً به متهم تقصیرات او را اعلام داشته تمام دلایل تقصیر او را می‌گوید و جواب و توضیحات متهم را استماع می‌کند هرگاه متهم اقرار صریح به تقصیر خود ننماید محکمه به تحقیقات شروع می‌نماید بدین ترتیب که اگر شهود و اهل خبره باشند استماع شهادت و اطلاعات آنها به عمل می‌آید و به آلات و ادوات استنطاق رسیدگی می‌شود پس از آن مدعی‌العموم ادعای خود را بیان می‌کند و بعد مقصر یا وکیل مدافع او توضیحات لازم را داده اظهارات خود را می‌نماید بعد هر گاه مدعی‌العموم باز اجازه نطق خواست به متهم نیز اجازه نطق داده می‌شود و پس از این که مذاکرات به قدر کفایت به عمل آمد رییس باز یکدفعه به متهم اجازه نطق داده مذاکرات را ختم می‌کند./

ماده ۳۸۲ - هر گاه اقامه دعوی را مدعی خصوصی کرده باشد به طوری رفتار می‌شود که در ماده (۳۲۱) مذکور است./

ماده ۳۸۳ - مدعی‌العموم یا مدعی خصوصی باید در ظرف پنج روز قبل از محاکمه صورت اسامی شهود را با تعیین شغل و محل اقامت و مولد و سن به متهم بدهند و متهم نیز باید در مدت مزبوره اسامی شهود خود را به شرح فوق به مدعی‌العموم عرضه دارد و مدعی‌العمومی و متهم حق دارند که در موقع محاکمه به استماع شهود و مطلعین که اسامی آنان در مدت مزبوره به ترتیبی که در این ماده مقرر است داده نشده اعتراض نمایند و محکمه به این اعتراض رسیدگی کرده قرار می‌دهد که محاکمه در حدود همان دوره به تأخیر افتد./

ماده ۳۸۴ - رییس مکلف است به شهود تکلیف نماید که به اتفاق علیحده رفته یک به یک برای ادای شهادت حاضر شوند و در صورت لزوم رییس اقدام لازم را برای عدم ارتباط شهود با یکدیگر و با متهم خواهد نمود./

ماده ۳۸۵ - رییس قبل از استماع شهادت اسم و شغل و محل اقامت و درجه قرابت نسبی یا سببی شاهد را با متهم یا مدعی خصوصی را می‌پرسد و همچنین استعلام می‌نماید که سابقاً متهم را می‌شناخته است یا نه./

ماده ۳۸۶ - هر یک از شهود و مطلعین پس از اظهار اطلاعات خود باید در محکمه مدتی مکث کنند که اگر محکمه محتاج به تحقیقات ثانویه شود حاضر باشند مگر این که رییس محکمه مکث آنان را لازم نداند و غایت مکث شهود و مطلعین تا زمانی است که هیأت حاکمه به اتفاق مشورت برای دادن رای می‌روند./

ماده ۳۸۷ - پس از آن که شهود مدعی عمومی و شهود مدعی خصوصی برای اثبات جنایت متهم اطلاعات خود را اظهار داشتند متهم می‌تواند از شهود خود بخواهد که اطلاعات خود را در محکمه اظهار دارند./

ماده ۳۸۸ - رییس محکمه باید به منشی محکمه امر کند که هر گاه اختلافی در میان اطلاعات مطلعین مشاهده می‌نماید مرقوم دارد که با اطلاع سابق و لاحق ایشان مطابقت کند./

ماده ۳۸۹ - قطع کلام مطلعین در اثنا اظهار اطلاعات آنان به کلی ممنوع است ولیکن متهم یا مدافع بعد از اتمام می‌تواند آن چه را در بی‌تقصیری متهم لازم بداند به توسط رییس محکمه از مطلعین سؤال نماید و رییس محکمه آن چه را که لازم می‌دانند از مطلعین سؤال نمایند./

ماده ۳۹۰ - شرایط شهود همان است که از ماده (۲۴۴) الی ماده (۲۴۹) مذکور است./

ماده ۳۹۱ - مطلعین اعم از این که از طرف مدعی عمومی یا مدعی خصوصی یا متهم باشند نمی‌توانند در محکمه نجوی نمایند و یا ایضاً حاکم از یکدیگر بخواهند./

ماده ۳۹۲ - پس از آن که مطلعین اطلاعات خود را دادن متهم می‌تواند از رییس به خواهد که بعضی از آنها را از محکمه خارج نموده و بعض دیگر ثانیاً بالانفراد یا بالاجتماع اطلاعات خود با بدهند و همچنین مدعی عمومی و رییس محکمه این حق را دارند./

ماده ۳۹۳ - رییس محکمه می‌تواند قبل از استماع اطلاعات از مطلعین یا در اثنا یا بعد از آن از متهم در هر موردی که مقتضی بداند استنطاق نماید و مراقب باشد که اعاده مذاکرات سابق نشود./

ماده ۳۹۴ - رییس محکمه و مدعی عمومی و خصوصی و متهم می‌توانند کتباً مطالبی را که تحقیق می‌شود یادداشت نمایند ولیکن باید به قدر امکان مواظب باشند که قطع کلام متکلم نشود./

ماده ۳۹۵ - رییس محکمه می‌تواند در اثنا اظهارات مطلعین یا بعد از آن آلات و ادوات تحقیقیه را به متهم ارائه بدهد و نسبت به هر یکی از آنها از متهم تحقیقات لازم را بنماید./

ماده ۳۹۶ - هر گاه یکی از شهود بر خلاف واقع شهادتی داد پس از ثبوت رییس محکمه به استدعای مدعی‌العمومی یا مدعی

خصوصی یا متهم امر به توقیف او می‌نماید پس از آن خود رییس یا یکی از معاونین او استنطاقات اولیه لازم را در حق او به عمل آورده نتیجه استنطاقات را با آن شخص به محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد می‌فرستد./

ماده ۳۹۷ – در صورتی که مدعی خصوصی یا متهم یا یکی از مطلعین زبان فارسی ندارند باید یک نفر که بالغ و رشید و محل اطمینان باشد مترجم برای او معین شود که در محکمه مطالب او را طابق النعل بالنعل ترجمه کند و آن مترجم قبل از شروع به ترجمه باید متعهد شود که تغییری در مطالب و اظهارات متهم یا مطلعین ندهد./

ماده ۳۹۸ – مدعی العمومی و خصوصی و متهم می‌توانند مترجم را به ترجمانی نپذیرند ولیکن باید دلایل عدم قبول را در محکمه اظهار دارند تا محکمه به عدم قبول مترجم قرار بدهد و آن مترجم باید از غیر هیأت حاکمه و مطلعین انتخاب شود ولو این که مدعی العمومی و متهم در باب انتخاب او تراضی کرده باشند./

ماده ۳۹۹ – در صورتی که مدعی خصوصی یا متهم یا مطلع گنگ و کر باشند و کتابت نیز نتوانند اشخاصی که از اشارات آنها استفاده مطالب می‌کنند به تعیین رییس محکمه مترجم آنان واقع می‌شوند و هر گاه کتابت می‌توانند باید منشی محکمه استنطاقات محکمه را در صفحه نوشته به آنان ارائه دهد و جواب کتبی از آنان بخواهد./

ماده ۴۰۰ – در صورتی که متهمین متعدد باشند و اساس اتهام مستند به یکی از آنان باشد رییس محکمه باید ابتدا به محاکمه متهم اصلی و بعد به محاکمه سایرین شروع کند./

ماده ۴۰۱ – رییس محکمه بعد از ختم بیانات مدعی العموم و متهم یا مدافع او حق ندارد برای اثبات یا نفی تقصیر متهم چیزی بگوید./

ماده ۴۰۲ – بعد از تشکیل محکمه و اقامه دعوی تا زمانی که هیأت محکمه رأی خود را اظهار نداشته است محاکمه تعطیل نمی‌شود و هیچ یک از اعضا حق ندارند به طریقه نجوی یا به نحوی دیگر مذاکراتی در این موضوع بنمایند رییس حق دارد تنفس به اعضا محکمه و شهود و متهم و غیره بدهد ولی این تنفس نباید از اندازه لزوم خارج شود./

مبحث چهارم/

در حکم و اجرا آن/

ماده ۴۰۳ – رییس محکمه متهم را اخطار می‌نماید و منشی محکمه رأی محکمه را در حضور متهم علناً قرائت می‌کند./

ماده ۴۰۴ – در صورتی که عدم تقصیر متهم معلوم شود رییس حکم به رهایی او می‌نماید مگر این که علت دیگری برای توقیف او موجود باشد بعد از آن محکمه در باب خسارات وارده به هر یک از طرفین با حضور طرفین و مدعی العمومی حکم می‌دهد./

ماده ۴۰۵ – متهم در صورتی که برانث او از تقصیر ثابت شد می‌تواند از اشخاصی که به او تهمت زده‌اند در محکمه ادعای خسارت نماید و کسانی که قانوناً حق تفتیش در جنایات دارند مانند مدعی عمومی و اداره نظمیه و ژاندارم از این قاعده مستثنی هستند و ادعای خسارت از آنان جایز نیست ولی شکایت از آنان به رؤسای مستقیم آنان جایز است./

ماده ۴۰۶ – هر گاه کسی که برانث خود را از تقصیر در محکمه حاصل کرد دیگر هیچ کس در خصوص این تقصیر حق تعرض به او ندارد./

ماده ۴۰۷ – هر گاه متهم در حین محاکمه به جنایت دیگری متهم شد اعم از این که آن اتهام به واسطه اطلاعات شهود و مطلعین یا به واسطه دلالت‌آلات و ادوات راجعه به آن جنایت باشد بعد از اثبات برانث او از تقصیری که محاکمه شده از حیث جنایت دیگر به ترتیبی که اصولاً مقرر است با اورفتار می‌شود./

ماده ۴۰۸ – در صورتی که تقصیر مقصر قابل مجازات باشد محکمه مجازات قانونی او را معین می‌نماید اگر چه از محاکمه معلوم شود که رسیدگی به آن از وظایف محکمه جنایت خارج است./

ماده ۴۰۹ – در صورتی که مقصر در ارتکاب تقصیر معذور بوده مثل این که غیر بالغ – یا مجنون باشد – یا در مقام مدافعه مرتکب تقصیر شده باشد محکمه حکم مقتضی را اعم از آن که بر تخفیف مجازات یا بر استخلاص یا به فرستادن مجنون به دارالمجانین یا امثال آن باشد به طوری که قانون تصریح می‌کند خواهد داد./

ماده ۴۱۰ – هیأت محکمه برای صدور حکم به اتاق مشاوره می‌روند و پس از مذاقه و دادن رأی رییس محکمه به صدای جلی حکم را قرائت می‌نماید قبل از قرائت حکم رییس محکمه باید مواد قانونی را که مبنای حکم است قرائت نموده و پس از آن حکم را اعلام نماید منشی محکمه باید مواد قانونی را که بدان مجازات شخص مقصر معین گردیده با حکم محکمه مرقوم دارد و اگر تخلف از این وظیفه نماید ده تومان از مقرری او کسر خواهد شد./

ماده ۴۱۱ – محکمه در وقت صدور حکم راجع به مجازات مقصر باید حکم خسارت مدعی خصوصی را نیز هر گاه تقاضا شده باشد بدهد./

ماده ۴۱۲ – در مدت بیست و چهار ساعت باید اصل حکم به توسط منشی محکمه به امضا و مهر هیأت حاکمه برسد و در صورتی که منشی محکمه از ادا این تکلیف تکاهل ورزد به طریقی که در ماده ۴۱۰ ذکر شده مجازات می‌شود./

ماده ۴۱۳ – محکوم علیه حق دارد از زمان ابلاغ حکم به او در ظرف پنج روز تمیز بخواهد و باید این مطلب را کتباً به منشی محکمه اظهار دارد و مدعی العمومی و همچنین مدعی خصوصی (در حقوق شخصیه خود) نیز حق دارند که در مدت مزبوره از تاریخ صدور حکم تمیز بخواهند./

ماده ۴۱۴ – کلیه احکامی که در باب مجازات از محکمه جنایت صادر می‌شود امر به اجرا آنها بر عهده مدعی عمومی محکمه خواهد بود که حکم داده است و مشارالیه می‌تواند در موقع اجرا احکام در صورت لزوم از قوای عمومی (نظمیه و ژاندارم و غیره) استمداد کند./

ماده ۴۱۵ – اصول محاکمه در محاکم جنایی همان اصولی است که برای محاکم جنحه مقرر است مگر در مواردی که خصوصاً تکلیف آن تصریح شده است./

فصل هفتم/

در محاکم جنایی اختصاص/

مبحث اول/

در تشکیل محکمه/

ماده ۴۱۶ – محکمه جنایی اختصاصی تشکیل می‌شود از یک نفر رییس و دو نفر معاون و دو نفر عضو محکمه استیناف./

ماده ۴۱۷ – رییس محکمه جنایی اختصاصی معاونین او دارای همان شرایط می‌باشند که برای رؤسا و معاونین محاضر شرع

معین شده است./

ماده ۴۱۸ - مدعی‌العموم این محکمه همان مدعی عموم محکمه استیناف است و در غیاب او یکی از وکلای عمومی محکمه استیناف بر حسب اقدمیت وظیفه او را انجام می‌دهد./

ماده ۴۱۹ - منشی این محکمه دفتردار محکمه استیناف است و در غیاب او یکی از معاونین او وظیفه او را انجام می‌دهد./

ماده ۴۲۰ - جلسات محکمه جنایی اختصاصی و ترتیب افتتاح و ختم دوره محاکمه موافق مواد (۳۶۴) و (۳۶۵) اصول محاکمات جزایی است./

مبحث دوم/

در صلاحیت محکمه و ترتیب محاکمه/

ماده ۴۲۱ - امور راجعه به این محکمه از قرار ذیل است/

(۱) اموری که مجازات آنها منحصر به حد یا تعزیر است/

(۲) جنایاتی که مجازات آنها موافق قانون اسلامی قصاص یا قتل است./

ماده ۴۲۲ - صلاحیت محلی و شخصی این محاکم موافق قواعدی است که در اصول محاکمات جزایی مقرر است./

ماده ۴۲۳ - ترتیب رسیدگی و محاکمه در این محاکم موافق قواعدی است که برای کلیه محاکم جنایی مقرر است ولی در موقع صدور حکم در صورت اختلاف مابین رییس و اعضا محکمه رأی رییس مناط اعتبار است./

ماده ۴۲۴ - وظایف مدعی عمومی در این محاکم موافق اصولی است که در قوانین محاکمات جنایی مقرر است./

ماده ۴۲۵ - احکام محاکم جنایی اختصاصی نیز قطعی است و قابل استیناف نمی‌باشد./

ماده ۴۲۶ - احکام این محاکم فقط از حیث رعایت قوانین محاکمات جزایی قابل تمیز است ولی در دیوان تمیز عدم رعایت قوانین مذکوره در مواردی باعث نقض می‌شود که در حکم محکمه مؤثر بوده و آن را از اعتبار حکم قانونی بیندازد/

ماده ۴۲۷ - اشتکا از رییس و معاونین این محکمه جنایی موافق ماده (۳۰) کتاب دوم از اصول تشکیلات مقرر است./

ماده ۴۲۸ - اعاده محاکمه نسبت به احکام محاکم جنایی اختصاصی موافق قواعدی است که در اصول محاکمات جزایی مقرر است./

ماده ۴۲۹ - احکام قابل اجرای محاکم جنایی اختصاصی به توسط مدعی‌العموم استیناف در حضور او اجرا می‌شود./

باب چهارم/

در تمیز احکام جزایی/

فصل اول/

در موارد استدعای تمیز/

ماده ۴۳۰ - موارد استدعای تمیز از قرار ذیل است/

۱ در صورت نقض قوانین در باب تقصیر و مجازات آن/

۲ در مورد عدم رعایت اصول و قوانین محاکمات جزایی در صورتی که عدم رعایت قوانین مزبوره به اندازه اهمیت داشته باشد که در حکم محکمه مؤثر بوده و آن را از اعتبار حکم قانون بیندازد./

ماده ۴۳۱ - احکام محاکم جنحه که قطعاً یعنی استینافاً صادر شده و احکام محاکم استیناف که به طور قطعی صادر شده و یا اگر غیابی بوده در موعد مقرر اعتراض به حکم غیابی نشده و قطعی گشته و احکام محاکم جنایی چه محاکم مزبوره در محکمه استیناف تشکیل شده باشد و چه در محکمه ابتدایی قابل تمیز است./

فصل دوم/

در اشخاصی که می‌توانند تمیز بخواهند/

ماده ۴۳۲ - اشخاصی که طرفیت در محاکمه داشته‌اند و یا آن که از جهت حکم ضرری بر آنان وارد آمده حق خواستن تمیز را دارند./

ماده ۴۳۳ - مدعیان عمومی ابتدایی و استیناف در صورتی که تسلیم بر حکم محکمه ننمایند می‌توانند در موارد نقض قوانین در مدت مقرر قانونی استدعای تمیز نمایند./

ماده ۴۳۴ - مدعی‌العمومی تمیز می‌تواند در موارد نقض قوانین استدعای تمیز از احکام و قرارهای مخالف قانون نماید بطوری که در ماده (۴۶۴) و (۴۶۵) مقرر است./

ماده ۴۳۵ - هر قرار یا حکمی را که وزیر عدلیه مخالف قانون دانست در صورتی که قرار یا حکم مذکور قابل تمیز باشد می‌تواند به توسط مدعی‌العمومی دیوان تمیز از آن قرار یا حکم تمیز بخواهد و مدعی‌العمومی مزبور در این مورد به هیچوجه حق رای شخصی نخواهد داشت فقط موظف است که در دیوان مذکور جهاتی را که وزیر عدلیه معین نموده اظهار دارد و نیز در صورت لزوم توضیح اظهارات وزیر عدلیه را بدهد./

ماده ۴۳۶ - در تمیزی که وزیر عدلیه می‌خواهد هیچ شرطی ملحوظ نیست اعم از آن که در مدت مقرر باشد یا در غیر آن مدت ولی نقض دیوان تمیز حکم محکمه تالی را اثری برای طرفین نخواهد داشت./

ماده ۴۳۷ - مدعی خصوصی نیز از حکم قطعی محکمه می‌تواند تمیز بخواهد ولی فقط از حیث نقض قوانین که به حقوق شخصی و منافع او مؤثر است/

فصل سوم/

در مدت و طریق استدعای تمیز/

ماده ۴۳۸ - مدت معمولی استدعای تمیز پنج روز است و ابتدای آن در احکام حضوری از زمان اعلام حکم و در احکام غیابی از زمان ابلاغ آن به شخص محکوم‌علیه یا اقامتگاه او محسوب می‌شود./

ماده ۴۳۹ - هر گاه مدعی خصوصی یا مدعی‌العمومی تمیز بخواهد پس از آن که عریضه تمیزی در دفتر محکمه ثبت شد باید در ظرف سه روز به اضافه یک روز برای هر چهار فرسخ مفاد عریضه تمیزی به طرف یا محل اقامت او ابلاغ شود و در صورتی که طرف در حبس باشد باید منشی شعبه مزبوره در محبس رفته مضمون عریضه را برای او قرائت نموده و به امضا و مهر او برساند و در صورتی که خط یا مهر نداشته باشد و یا آن که امتناع از امضا یا مهر کند در آن ورقه قید می‌شود./

ماده ۴۴۰ - هر یک از مدعی خصوصی یا محکوم‌علیه که تمیز بخواهند باید تمام دلایل حقانیت خود را در ورقه نوشته با عریضه تمیزی به دفتر محکمه که حکم قطعی داده است تقدیم دارند که دفتر مذکور پس از ثبت به توسط مدعی‌العموم ابتدایی یا مدعی‌العمومی استیناف به محکمه تمیزبفرستد در لایحه مزبوره باید جهات استدعای تمیز و مبانی قانونی و مواد شکایت و تصریح به اینکه از چه جهت عارض تمیز می‌نماید و از کدام محکمه و در چه تاریخ حکم صادر شده است قید کند دوسیه کار با آلات و ادوات تحقیقه و ضمایم آن به دفتر دیوان تمیز ارسال می‌گردد./

ماده ۴۴۱ - در تهران می‌توان عرضحال را مستقیماً به دفتر خانه تمیز داد و در ولایات به محکمه که از حکم آن استدعای تمیز می‌شود داده می‌شود دفتر محاکم بعد از دریافت عرضحال قبض رسید به عارض می‌دهد./

ماده ۴۴۲ - اشخاصی که تمیز می‌خواهند ده تومان به رسم وجه‌الضمان به دفتر تمیز خواهند داد وجه مزبور در صورت محق بودن عارض به اومسترد و الا از بابت مخارج محاکمه محسوب می‌شود تکلیف اشخاصی که از حیث ضرر و زیان شخصی تمیز می‌خواهند در این مورد موافق قانون محاکمات حقوقی است./

ماده ۴۴۳ - اداره مدعی‌العمومی و همچنین مأمورین دولتی در صورتی که امر راجع به امور اداری یا از مستملکات دولتی (خالصجات) باشد از تأدیه مبلغ مذکور در ماده فوق معاف خواهند بود و همچنین اشخاص فقیر و بی‌بضاعت از تأدیه وجه مزبور معافند./

فصل چهارم/

در اثرات تمیز و طریق شروع به محاکمه/

ماده ۴۴۴ - خواستن تمیز حکم موجب تعلیق اجرای آن است تعلیق عبارت است از موقوف‌الاجرا ماندن حکم تا ختم محاکمه در دیوان تمیز./

ماده ۴۴۵ - هر گاه درباره متهمی که در توقیف است حکم برائت صادر شد استدعای تمیز اجرای حکم را به تعویق نمی‌اندازد و متهم رها می‌شود./

ماده ۴۴۶ - استدعای تمیز اجرای حکم قطعی محکمه تالی را در صورتی که محکوم به جزای نقدی و یا حکم راجع به تأدیه خسارت طرف باشد به تأخیر نمی‌اندازد مگر آن که وجه محکوم به تا صدور حکم دیوان تمیز در صندوق محکمه یا جای مطمئن دیگری ودیعه گذاشته شود./

ماده ۴۴۷ - دیوان تمیز پس از این که عریضه به توسط یکی از متداعیین پذیرفت به طریقی که در موارد ذیل ذکر می‌شود اقدام می‌نماید./

ماده ۴۴۸ - عرایضی که به دیوان تمیز داده می‌شود به ترتیب نمره رسیدگی خواهد شد مگر در موارد فوری./

ماده ۴۴۹ - صورت عرایض در دفتر دیوان تمیز ثبت شده و به توسط رییس شعبه جزا با ضمایم آن به ممیزین داده می‌شود. ممیز بدون این که در باب قبول یا رد استدعای دیوان تمیز قبلاً قراری بدهد شروع به رسیدگی کرده عرضحال را رد و یا حکم صادر را نقض یا ابرام می‌نماید./

ماده ۴۵۰ - ممیزین به ترتیبی که اوراق مذکوره در ماده فوق بدیشان تقسیم شده پس از تحقیقات با خلاصه استنباطات خود به شخص رییس رد می‌نماید/

ماده ۴۵۱ - در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقه خود را قرائت می‌نماید متداعیین یا وکلا آنان به اجازه رییس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند و مدعی‌العمومی اخیراً عقیده خود را اظهار می‌دارد و دیوان تمیز پس از آن به اکثریت آرا حکم می‌دهد./

ماده ۴۵۲ - متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار می‌شوند ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی‌افتد/

ماده ۴۵۳ - پس از آن که طرفین بر حسب اصول احضار شوند حکم صادر از دیوان تمیز در هر حال حضوری محسوب است و قابل اعتراض نیست./

فصل پنجم/

در رد و قبول عریضه تمیزی/

ماده ۴۵۴ - در صورتی که عریضه تمیزی قابل قبول نباشد رد می‌شود./

ماده ۴۵۵ - رد عریضه تمیزی منتج دو امر است/

(۱) اجرا حکم صادر از محکمه تالی/

(۲) محسوب شدن وجه‌الضمانه از بابت مخارج محاکمه/

ماده ۴۵۶ - پس از آن که دیوان تمیز امری را پذیرفت و بعد از محاکمه حکم محکمه تالی را نقض نمود باید مسئله را بدون داخل شدن به ماهیت‌دعوی ارجاع به محکمه دیگری که در عرض محکمه است که حکم داده بنماید./

ماده ۴۵۷ - هر گاه عرضحال تمیزی را دیوان تمیز رد کرد استدعای تمیز مجدداً قبول نمی‌شود./

ماده ۴۵۸ - دیوان تمیز در موارد ذیل در صورتی که حکمی را نقض کند ارجاع به محکمه دیگری نخواهد نمود و این موارد را موارد نقض بلا ارجاع گویند/

(اولاً) در صورتی که (در موارد عرفی) مرور زمان قانوناً موجب اسقاط حق اقامه دعوی شده باشد/

(ثانیاً) در صورتی که نقض راجع به اساس حکم نباشد بلکه راجع به اموری باشد که به اساس حکم خلل وارد نمی‌آورد/

(ثالثاً) در صورتی که حکم صادر از محکمه تالی بر مجازات شخصی به عنوان جرم بوده و حال آن که آن عمل بر فرض وقع

قانوناً داخل در جرم نبوده واصلماً قابل مجازات نیست/

(رابعاً) در صورتی که در موارد تقصیرات سیاسی بعد از اعلان عفو عمومی حکم به مجازات مقصر سیاسی صادر شده باشد/

(خامساً) در مورد مواد (۴۳۵) و (۴۳۶) و (۴۶۴) این کتاب./

ماده ۴۵۹ - در صورتی که مدعی خصوصی تمیز بخواهد و دیوان تمیز حکم محکمه تالی را از جهت حقوق خصوصی نقض کند رسیدگی را به محکمه حقوق ارجاع می‌دارد./

ماده ۴۶۰ - هر گاه محکمه تالی در تعیین مجازات تقصیری اشتباهاً استناد به یک ماده دیگر قانونی نموده ولی از این اشتباه تغییری در اندازه مجازات حاصل نشده باشد در این صورت حکم محکمه تالی نقض نمی‌شود ولی اخطار لازم به محکمه که حکم داده خواهد شد./

ماده ۴۶۱ - بعد از قبول عریضه تمیزی و نقض حکم محکمه تالی محکوم‌علیه باید مخارج محاکمه و خسارت طرف را بعد از مطالبه و اثبات تأدیه کند./

فصل ششم/

در کیفیت امر بعد از نقض و ارجاع/

ماده ۴۶۲ - در صورتی که دیوان تمیز حکمی را نقض نموده و به محکمه دیگری ارجاع کند اگر شخص محکوم‌علیه یا مدعی‌العمومی از جهتی غیر از جهت اولی تمیز بخواهد ترتیب خواستن تمیز و رسیدگی آن در دیوان تمیز به همان ترتیب اولی خواهد بود./

ماده ۴۶۳ - هر گاه شخص محکوم‌علیه از همان علل اولیه تمیز بخواهد دیوان تمیز در آن باب اجتماع عمومی نموده و رسیدگی خواهد نمود و اگر در این موقع دیوان تمیز حکم محکمه را از همان حیث نقض نمود محکمه تالی مرجع‌الیه باید اطاعت حکم محکمه تمیز را بنماید./

فصل هفتم/

در مواردی که مدعی‌العموم دیوان تمیز از احکام قطعی محاکم تالی تمیز می‌خواهد/

ماده ۴۶۴ - در صورتی که محکمه جنحه یا محکمه استیناف و یا جنایت‌فراری دهد یا حکمی صادر نماید که قابل تمیز باشد و هیچ یک از طرفین در مدت مقرر تمیز از آن امر نخواهند مدعی‌العمومی دیوان تمیز من باب حفظ قانون آن حکم تمیز می‌خواهد و دیوان تمیز پس از رسیدگی اگر اظهارات مدعی‌العمومی را موافق قانون دید نقض می‌نماید ولی نقض آن حکم نفع یا ضرری از برای طرفین نخواهد داشت (تقاضای تمیز و نقض در این موارد برای حفظ قانون است)/

ماده ۴۶۵ - تمیزی که مدعی‌العموم دیوان تمیز می‌خواهد محدود به مدت نیست و هر وقت مطلع شد می‌تواند تقاضای تمیز بنماید./

باب پنجم/

در اعاده محاکمه یا تجدیدنظر/

ماده ۴۶۶ - موارد قانونی اعاده محاکمه احکام قطعی محاکم (اعم از این که به موقع اجرا گذاشته شده یا نشده باشد) از قرار ذیل است:/

(اول) وقتی که چند نفر به اتهام ارتکاب به تقصیری محکوم شده‌اند و تقصیر طوری است که بیش از یک مرتکب نمی‌تواند داشته باشد/

(دوم) وقتی که کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شده که آن شخص بعد پیدا شده و یا محقق شده که در حال حیات است/

(سوم) در مواردی که ثابت شود که مقصر بی‌تقصیر بوده یا آن که جزایی که برای او معین شده است به واسطه اشتباه حکام عدلیه قانوناً متناسب با تقصیر او نیست/

(چهارم) کشف و ثبوت اسناد جعلی یا شهادت جعلی که مبنای حکم بوده است./

ماده ۴۶۷ - اشخاصی که صلاحیت استدعای اعاده محاکمه را دارند از قرار ذیل می‌باشند/

(۱) محکوم‌علیه یا در صورت فوت او عیال و وراث قانونی او و همچنین اشخاصی که از طرف او مأموریت مخصوص در این باب داشته‌اند/

(۲) درخواست مدعی‌العموم تمیز که مبتنی بر حکم و مأموریت از طرف وزیر عدلیه باشد./

ماده ۴۶۸ - استدعای اعاده محاکمه به دیوان تمیز داده می‌شود دیوان مزبور پس از آن که اطمینان از جهت اوضاع و احوالی که باعث استدعای اعاده محاکمه شده است حاصل کرد رسیدگی کار را به محکمه دیگری که صلاحیت رسیدگی را دارد و در عرض محکمه‌ای است که حکم داده است رجوع می‌کند./

ماده ۴۶۹ - رأی دیوان تمیز در باب قبول اعاده محاکمه اجرای حکم را در صورتی که اجرا نشده باشد تا زمانی که اعاده محاکمه به انتها رسیده و حکم مجدد صادر شود به تعویق می‌اندازد ولی تأمین لازم برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن محکوم‌علیه به عمل می‌آید./

ماده ۴۷۰ - بعد از شروع به محاکمه ثانوی هر گاه دلایلی که محکوم‌علیه اقامه کند قوی باشد اثرات حکم فوراً توقیف و تخفیف لازم نسبت به حال محکوم‌علیه مجری می‌شود ولی تخفیف مزبور نباید باعث فرار محکوم‌علیه از محاکمه یا مخفی شدن او بشود./

ماده ۴۷۱ - در امور جنحه نیز استدعای اعاده محاکمه پذیرفته است مگر در مورد محکومیت به جزای نقدی./

ماده ۴۷۲ - رسیدگی ثانوی تابع قواعد و اصولی است که برای محاکمه به امور جزایی مقرر است و اعتراض و شکایات موافق همان اصول می‌شود./

باب ششم/

در اجرای احکام و مخارج عدلیه/

فصل اول/

در احکامی که به موقع اجرا گذاشته می‌شود/

ماده ۴۷۳ - احکام جزایی محاکم عدلیه در موارد ذیل به موقع اجرا گذاشته می‌شود/

(۱) در موارد احکام غیر قطعی که مدت استیناف و تمیز آنها منقضی شده یا این که مدعی‌العموم و محکوم‌علیه از حق استیناف و تمیز خود صرف‌نظر کرده‌اند./

(۲) در مواردی که محکوم‌علیه به احکام غیابی در مدت مقرر اعتراض نکرده و مدت استیناف و تمیز هم منقضی شده/

(۳) در صورتی که از احکام قطعی نه مدعی‌العموم استدعای تمیز نموده و نه محکوم‌علیه/

(۴) در صورتی که استدعای تمیز احکام قطعی قبول نشده است./

ماده ۴۷۴ - هر گاه حکمی که صادر شده راجع به چند نفر محکوم‌علیه باشد و بعضی از آنان در مدت مقرر از حکم مذکور شکایت نمایند حکم مذکور بعد از انقضای مدت استیناف یا تمیز درباره سایر اشخاص که شکایت نکرده‌اند یا به اشخاص شکایت کنند ملحق نشده‌اند قابل اجرا خواهد بود./

ماده ۴۷۵ - هر گاه در مدت مقرر از حکمی فقط نسبت به ضرر و زیان شکایت شود مفاد آن حکم نسبت به سایر موادی که موضوع شکایت نیست به موقع اجرا گذاشته می‌شود./

فصل دوم/

در اشخاصی که احکام را مجری می‌دارند/

ماده ۴۷۶ - اجرای احکام تا اندازه که خارج از اقدامات بلاواسطه محاکم نیست از قبیل اعلام بی‌تقصیری متهم و مرخصی او به توسط خود محاکم به عمل می‌آید./

ماده ۴۷۷ - هر گاه اجرای حکم باید توسط مأمورین به عمل آید دادن تعلیمات آن به عهده مدعی‌العموم است و در این صورت محکمه صورت حکم را با تصریحات لازمه به مدعی‌العموم ابلاغ می‌کند و هر گاه اطلاعات مصرحه در حکم کافی نباشد سوادای به مشارالیه از صورت مجلس رسیدگی و محاکمه داده می‌شود./

ماده ۴۷۸ - مدعی‌العموم در باب اجرای حکم تعلیمات لازمه را به مأمورین دولتی داده نظارت در صحت اجرا و عدم تعویق و تعطیل آن می‌نماید اموری که از وظایف نظمیه است به نظمیه و اجرا آتی که راجع به حکومت محلی یا سایر ادارات است به آنها رجوع می‌شود و ادارات و اشخاص مزبور مکلفند که بر طبق مفاد حکم و تعلیمات مدعی‌العموم که باید با حکم موافقت داشته باشد اقدام نمایند./

ماده ۴۷۹ - هر گاه از مفاد حکم شک و شبهه یا سوتفاهی حاصل شود باید ادارات و اشخاص مزبوره توسط مدعی‌العموم به محکمه حاکمه رجوع کرده توضیحات بخواهند./

ماده ۴۸۰ - اجرای احکام راجعه به وجوه نقدی از قبیل تأدیه خسارت و مخارج عدلیه به عهده صاحب‌منصبان اجرای عدلیه است./

ماده ۴۸۱ - همین که حکم به موقع اجرا گذاشته شد مدعی‌العموم به وزیر عدلیه اطلاع می‌دهد./

فصل سوم/

در ترتیب اجرای احکام جزایی/

ماده ۴۸۲ - احکام جزایی همین که قابل اجرا شد فوراً به موقع اجرا گذاشته می‌شود./

ماده ۴۸۳ - هر گاه حکم محکمه در برائت مقصر صادر شد حکم در حین اعلام اجرا می‌شود و شخص بری‌الذمه اگر متهم به تقصیر دیگری نباشد باید از تحت مراقبت و توقیف خارج شود./

ماده ۴۸۴ - در موارد ذیل احکام قابل اجرا فوراً به موقع اجرا گذاشته نمی‌شود./

(۱) در مورد محکوم‌علیه مریض در صورتی که مرض او مانع از اجرای مجازات به شخص او است/

(۲) در مورد زنان حامله یا زنانی که تازه وضع حمل کرده‌اند تا چهل روز بعد از وضع حمل/

(۳) در مورد زنانی که اطفال و ضعیف خود را شیر می‌دهند تا زمانی که طفل آنان به سن دو سال برسد ولی این در مواردی است که اجرای مجازات ضروری به طفل برساند/

(۴) در مورد لزوم تبدیل مجازاتی به مجازات دیگر که مطابق داشته باشد در این صورت اجرای مجازات اولی تا امر تبدیل به عمل نیامده است به تعویق می‌افتد/

(۵) در صورت قرار محکوم‌علیه که اجرای حکم تا زمان دستگیر شدن او به تعویق می‌افتد ولی تأدیه خسارت و مخارج عدلیه از مال او به عمل می‌آید./

ماده ۴۸۵ - قبل از قصاص باید آداب مذهبی توسط اشخاصی که صلاحیت دارند نسبت به مقصر به عمل آید در موقع قصاص یا قتل باید مدعی‌العموم محکمه جنایی و همچنین رئیس نظمیه و منشی محکمه حاضر باشند و اگر اجرای حکم در محوطه محبس می‌شود باید رئیس محبس نیز حضور داشته باشد وکیل محکوم‌علیه نیز می‌تواند حاضر باشد بعد از حاضر کردن محکوم‌علیه در محل اجرای حکم مدعی‌العموم حکم اجرا را می‌دهد و منشی محکمه حکم محکمه را به مدای جلی قرائت می‌کند پس از آن حکم را مباشر اجرا مجری می‌دارد و صورت مجلس مرتب و به امضای حضار می‌رسد./

ماده ۴۸۶ - اشخاصی که محکوم به حبس هستند نزد رؤسا محبس با صورت حکم محکمه فرستاده می‌شوند./

ماده ۴۸۷ - مدتی که محکوم‌علیه تا زمان اجرای حکم در توقیف بوده است جز مدت حبسی که برای او به حکم محکمه مقرر شده است محسوب خواهد شد غیر از مواردی که محکمه حکم بدهد که زمان توقیف سابق نباید حساب شود هر گاه محکوم‌علیه در زمان محاکمه و قبل از صدور حکم در توقیف نبوده است مدت حبس از زمانی حساب می‌شود که مشارالیه را توقیف کرده‌اند./

ماده ۴۸۸ - طفل و ضعیف را از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده جدا نمی‌کنند مگر این که مادر بخواهد که طفل را به پدر یا اقربای دیگر اویسپارد./

ماده ۴۸۹ - اشخاصی که به نفعی بلد و بودن در تحت نظارت نظمیه محل محکوم شده‌اند به محل لازم فرستاده شده به اداره نظمیه و حاکم محل اطلاع داده می‌شود.

ماده ۴۹۰ - اجرای احکامی که توسط صاحب‌منصبان اجرا به عمل می‌آید به ترتیبی است که برای اجرای احکام حقوقی محاکم عدلیه مقرر است.

ماده ۴۹۱ - حکم برائت متهم در صورت تقاضای او به خرج خودش در مطبوعات رسمی اعلان می‌شود.

فصل چهارم

در خارج عدلیه

ماده ۴۹۲ - تمام مخارج عدلیه بر عهده محکوم‌علیه است ولی اگر مدعی خصوصی باشد او بدو می‌پردازد و اگر نباشد صندوق عدلیه پرداخته و بعد از محکوم‌علیه دریافت شده به مدعی خصوصی یا صندوق مسترد می‌شود.

ماده ۴۹۳ - مخارج عدلیه از قرار ذیل است مخارج حرکت مأمورین تحقیق حق‌الزحمه اهل خبره و مترجمین و طبیب و ارسال اسباب و آلات وادوات تحقیقیه از هر نوع که باشد و خرج حرکت صاحب‌منصبان نظمیه که مأموریت مخصوصی راجع به امر جزایی به آنان موکول شده و خرج حرکت اطبای قانونی که در خدمت دولت هستند و حق‌الزحمه شهود و مطلعین و مخارج طبع اطلاعات در موارد لازم.

ماده ۴۹۴ - مقدار مخارج به موجب تعرفه که در وزارت عدلیه مرتب و اعلان خواهد شد معین می‌شود و محکمه مطابق همان تعرفه مقدار کلیه مخارج را معین کرده در حکم قید می‌کند.

ماده ۴۹۵ - کلیه اوراقی که به مستنطق یا به مدعی‌العموم یا محکمه داده می‌شود از عرضحال و اعتراض و شکایت‌نامه و غیره از تأدیه حق تمبر و مخارج محاکمه معاف است ولی از اوراق و عرایض که راجع به ادعای خسارت باشد موافق تعرفه که برای دعاوی حقوقی مقرر است مخارج عدلیه اخذ می‌شود.

ماده ۴۹۶ - حق سواد برای هر صفحه همان است که در اصول محاکمات حقوقی معین است مفلسین از تأدیه حق سواد معافند.

ماده ۴۹۷ - هر گاه کسی تا صدور حکم مطالبه خسارت از بابت مخارج عدلیه نکرده مثل این است که از حق خود صرف‌نظر کرده باشد.

ماده ۴۹۸ - مأمورین تحقیق باید حساب مخارج را به طور محنت نگاهدارند و مستنطق به ضمیمه نتیجه تحقیقات خود صورت مخارج را هم به محکمه می‌دهد.

ماده ۴۹۹ - هر گاه محکوم‌علیه متعدد باشند مخارج عدلیه میان آنان تقسیم می‌شود و محکمه می‌تواند در این تقسیم نظر به مقصرین اصلی و فرعی داشته سهم هر یک را نظر به اهمیت تقصیر معین کند.

ماده ۵۰۰ - هر گاه مدعی خصوصی ذیحق شد مخارج عدلیه را که پرداخته است می‌تواند از مقصر مطالبه نماید.

ماده ۵۰۱ - هر گاه مدعی خصوصی بی‌حق در آمد و متهم بری‌الذمه شد مخارج عدلیه بر عهده شخص بی‌حق است.

ماده ۵۰۲ - اگر در روز جلسه مقرر بدون عذر موجه مدعی خصوصی یا متهم حاضر نشود مخارج عدلیه از بابت آن جلسه بر عهده غائب است.

ماده ۵۰۳ - در حکم محکمه همیشه باید معین شود که مخارج عدلیه بر عهده کیست و چه سمت را کی باید بدهد صورت تفصیلی مخارج را محکمه با تعیین این که به چه وسیله و برای چه مقصود خرج شده است جداگانه بعد از صدور حکم مرتب می‌نماید.

ماده ۵۰۴ - هر گاه مخارج عدلیه به شخصی تعلق گیرد که محکوم به تأدیه خسارت مدعی خصوصی شده است اول مخارج عدلیه گرفته می‌شود پس از آن خسارت مدعی خصوصی.

ماده ۵۰۵ - هر گاه بعد از آن که حکم قابل اجرا شد محکوم‌علیه وفات نمود مخارج عدلیه باید از مال او تأدیه شود.

ماده ۵۰۶ - در صورتی که محکوم‌علیه استطاعت تأدیه مخارج عدلیه را نداشته باشد و عدم استطاعت او مدلل شود مخارج مزبور را در صورتی که مدعی خصوصی نباشد صندوق قبول می‌کند ولی هر وقت محکوم‌علیه مستطیع شد باید مخارج مزبور را تأدیه کند.

/

قانون محاکمات جزایی دارای پانصد و شش ماده پیشنهادی وزارت عدلیه در کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی شور اول آن به اتمام رسیده و شور ثانی آن نیز تا ماده یکمصد و هفتاد تمام شده بود که در این وقت مجلس شورای منفصل گردیده و قانون مزبور ناتمام ماند نظر به اهمیت و فوریت قانون مزبور و لزوم و کثرت احتیاج عمومی به آن از طرف وزارت جلیله عدلیه از امضاکنندگان حاجی سید نصرالله و ذکاالملک و میرزا رضاخان طباطبایی تقاضا شد به معاونت و مشاورت حضرتین آقای آقا سید محمدحسن مدرس و آقای مشیرالدوله و با جلب نظریات جناب مسیو (پرنی) پرکورردولت قوی شوکت جمهوری فرانسه مستشار عدلیه شور دوم قانون مزبور را به انجام برسانیم که از طرف هیات جلیله وزرا موقتاً به موقع اجرا گذاشته‌شود تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی پیشنهاد به مقام هیات مقننه شده بعد از جرح و تعدیل و تحصیل نظریات نمایندگان ملت از آن مقام منبع‌گذشته قانونیت کامله حاصل کند لهذا در مدت دو ماه با حضور آقایان مدرس و مشیرالدوله و جلب نظریات جناب مستشار شور دوم آن را به اتمام رسانیدیم و موافقت آن با قوانین مقدسه اسلامی و عادات و اخلاق مملکت نیز به قدر مقدور رعایت شده است.

نصرالله‌التقوی (محل مهر) ذکاالملک (محل مهر)/

رضا‌الطباطبایی نایینی (محل مهر)/

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم/

حقیر در کمیسیون مجلس دارالشوری و کمیسیون خارج حاضر بودم و به قدر امکان سعی نمودم الضرورات تیحیح‌المحذورات امور جزایی که به محاکم‌ملحیه و محاکم جنایی اختصاصی که بر طبق قانون تشکیلات باشد ارجاع می‌شود موافق شرع انور است و مواد متعلقه به امور اداری مخالفتی با قوانین اسلامی ندارد.

فی ۲۳ شهر رجب ۱۳۳۰ امضا سید حسن مدرس (محل مهر)/

لایحه قانون موقتی محاکمات جزایی را که این جانب در زمان تصدی به وزارت عدلیه موافق پرگرام هیات وزرا در شهر جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ به کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده بودم مطرح شور اول در کمیسیون مزبور شده

نظرات جناب مستشار عدلیه در آن لایحه جلب شده بود چون در حین شور ثانوی به واسطه انفصال مجلس شورای ملی مذاقه لایحه مزبوره به اتمام نرسیده بود و اهمیت و ضرورت قوانین موقتی مزبوره احساس می شد از طرف وزارت عدلیه کمیسیون مخصوصی از آقایان مفصله در فوق تشکیل و مذاقه و شور ثانوی در حضور این جانب به عمل آمده و نظرات جناب مستشار عدلیه ثانیاً در لایحه قوانین مزبوره جلب شد و بالاخره قوانین مذکوره بدین ترتیب که دارای پانصد و شش ماده است در آمده و چهارده ماده آن (از ماده ۴۱۶ الی ماده ۴۲۹ از طرف کمیسیون مخصوص عدلیه پیشنهاد شده است.)

تاریخ ۲۹ شهر رجب ۱۳۳۰ امضا حسن مشیرالدوله (محل مهر)/

ا. (پرنی) پروکوری دولت جمهوری فرانسه در مأموریت تهران ۱۶ ژوئیه ۱۹۱۲ مطابق سه شنبه غره شعبان ۱۳۳۰/

بسم الله الرحمن الرحیم)/

قوانین موقتی اصول محاکمات جزایی مشتمل بر (۵۰۶) ماده که چهارصد و نود و دو ماده آن از طرف وزارت عدلیه پیشنهاد کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی شده و در کمیسیون مزبور پس از نظریات جناب مسیو آدولف پرنی مستشار عدلیه مطرح شور اول شده و در اثنای شور ثانوی بواسطه انفصال مجلس شورای ملی مذاقه کامل در قانون مزبور به عمل نیامده بود و لزوم و ضرورت قوانین موقتی مزبوره کاملاً احساس می شد لهذا کمیسیون مخصوصی از طرف وزارت عدلیه اعضا از آقایان مفصله ذیل حجت الاسلام آقای آقا سید حسن مدرس، آقای حاجی سید نصرالله، آقای ذکا الملک، آقای میرزا رضاخان نایینی، تشکیل و مذاقه در شور ثانوی مطرح و با حضور جناب مستطاب اجل آقای مشیرالدوله و جناب مسیو آدولف پرنی پروکوری مستشار دولت جمهوری فرانسه در مأموریت مستشاری وزارت عدلیه اعظم به عمل آمد و ۱۴ ماده (از ماده ۴۱۶ الی ماده ۴۲۹) از طرف کمیسیون مخصوص به قانون مزبور افزوده شده که مجموع این (۵۰۶) ماده به تصویب و امضای کمیسیون مزبور و تصدیق حضرت حجت الاسلام آقای مدرس که از آقایان علما نظار طراز اول هستند رسیده و از طرف جناب مستطاب آقای ممتازالدوله وزیر عدلیه به هیات وزرا پیشنهاد شده بود در جلسه پ/

نخستین به نهم رمضان المبارک ۱۳۳۰ وزرا تصویب شد که وزیر عدلیه مواد مزبوره را به موقع اجرا گذارد./

(نجفقلی بختیاری) صمصام السلطنه رئیس الوزرا محتشم السلطنه وزیر داخله (محمدعلی) علا السلطنه وزیر امور خارجه (مادق) مستشار الدوله وزیر پست و تلگراف (غلامحسین بختیاری) سردار محتشم وزیر جنگ (ابراهیم) معاون الدوله وزیر مالیه (اسمعیل) ممتاز الدوله وزیر عدلیه (محل مهر) (از لندن)/

هیأت وزرا عظام - در باب اصول محاکمات جزایی البته وزرا عظام دقت کرده اند که خلاف مقتضیات و شرع نباشد در این صورت به طوری که وزرا عظام تصویب کرده اند به عنوان موقت ممضی است ۲۸ رمضان ابوالقاسم/

/